

# علی شریعتی

از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد



علی شریعتی

**علی شریعتی مَزیَنانی**، مشهور به **دکتر علی شریعتی**<sup>[۶]</sup> (زادهٔ ۲ آذر ۱۳۱۲ در روستای کاهک، سبزوار - درگذشتهٔ ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در ساوت‌همپتون، انگلیس) نویسنده<sup>[۸][۹]</sup> و جامعه‌شناس<sup>[۱۰]</sup>، پژوهشگر دینی اهل ایران، از مبارزان و فعالان مذهبی و سیاسی و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بود.<sup>[۱]</sup> شریعتی نگرشی نوین به تاریخ و جامعه‌شناسی اسلام عرضه کرد. او بازگشت به تشیع حقیقی و انقلابی را نیرویی برای تحقق عدالت اجتماعی قلمداد می‌کرد.<sup>[۱۱]</sup> شریعتی، علاوه بر شهرت زیادش برای سهم داشتن در انقلاب ایران، به‌دلیل کارنامهٔ فعالیت‌هایش برای احیای مذهب و سنت در جامعه و بیدارگری دربارهٔ سلطنت وقت نیز شهرت داشته‌است. از زمان انقلاب تاکنون یادبودهای زیادی به یاد او برگزار و اجرا کرده‌اند؛ و از آن زمان نقدها و تحلیل‌های زیادی پیرامون آثار، آراء و تأثیراتی که او بر چند دههٔ معاصر ایران گذاشته وجود دارد.

او در ۴۴سالگی در انگلستان درگذشت و هم‌اکنون پیکر وی در مکانی نزدیک مقبرهٔ زینب کبری در دمشق سوریه به امانت سپرده شده‌است.<sup>[۱۲]</sup>

## محتویات

### سرگذشت

کودکی

نوجوانی و جوانی

تحصیل در دانشگاه سوربن

زندگی مخفیانه

مرگ

### فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

کانون نشر حقایق اسلام

نهضت خداپرستان سوسیالیست

نهضت مقاومت ملی

فعالیت‌های خارج از کشور

حسینیه ارشاد

### اندیشه‌ها

پارانویا

نقد امپریالیسم

توحید

سوسیالیسم

شریعتی و حکومت دینی

استبداد

امت و امامت

مهدویت

### شریعتی و منتقدین

روحانیت و شریعتی

شریعتی و مصطفی ملکیان

پس از انقلاب

شریعتی و ایدئولوژی

شریعتی و تحلیل‌گران

زادروز

۲ آذر ۱۳۱۲<sup>[۱][۲]</sup>

ایران، سبزوار، کاهک<sup>[۳]</sup>

درگذشت

۲۹ خرداد ۱۳۵۶

انگلستان، ساوت‌همپتون

آرامگاه

سوریه، دمشق

ملیت

 ایران

تحصیلات

کارشناسی ادبیات فارسی

دکترای تاریخ

دانش‌آموختهٔ مشهد

سوربن

پیشه

جامعه‌شناس<sup>[۴]</sup>، نویسنده، پژوهشگر

دینی

سال‌های

۱۳۳۱–۱۳۵۶

فعالیت

تأثیرگذاران

اقبال لاهوری، ابوالحسن فروغی، لوی

ماسینیون، فرانتس فانون، ژرژ

گورویچ، ژاک برک، آلکسیس کارل،

ژان کوکتو، شاندل، ژان-پل سارتر،

عین‌القضاة همدانی، محمد تقی

شریعتی<sup>[۵]</sup>

لقب

معلم انقلاب

فریادگر بزرگ آزادی

دین

اسلام، تشیع

آثار

فهرست آثار شریعتی

همسر

پوران شریعت‌رضوی

## شخصیتی به نام شاندل

### آثار

#### گفتارها

سخنرانی‌ها و درس‌هایی که به صورت صوتی موجود است

در تالار حسینیه ارشاد

سخنرانی‌ها در دانشگاه‌ها موجود به صورت نوار، کتاب یا پلی‌کپی

سخنرانی‌ها در سفر مکه همراه کاروان حسینیه ارشاد و سایر مؤسسات

درس‌ها در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰

#### کتاب‌ها

نمونه اشعار

شمع

بسوزم

## آثار درباره‌ی علی شریعتی

یادبودها

نگارخانه

جستارهای وابسته

پانویس

منابع

پیوند به بیرون

فرزندان احسان، سوسن، سارا، مونا

والدین محمدتقی شریعتی

زهرا امینی

خویشاوندان مهدی شریعت‌رضوی

وبگاه

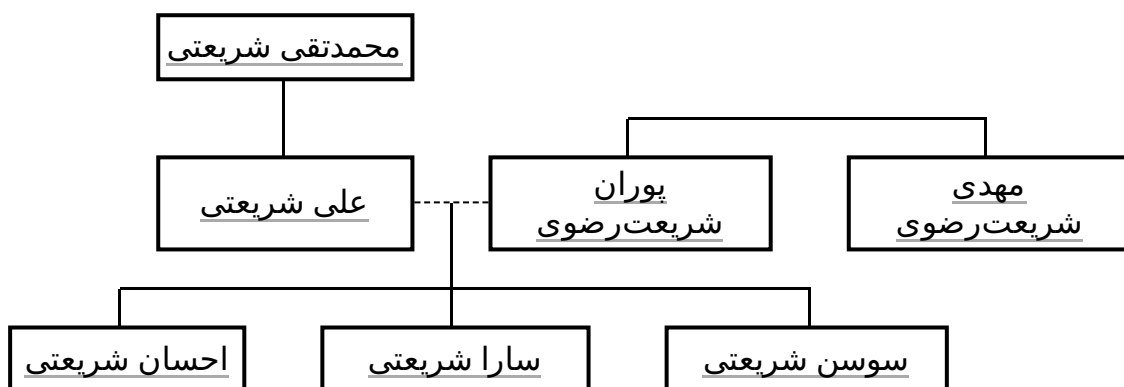
وبگاه رسمی علی شریعتی (<http://www.drshariati.org>)

وبگاه دکتر شریعتی (<http://www.shariati.com>)

## سرگذشت

### کودکی

علی شریعتی در دوم آذر سال ۱۳۱۲ در روستای کاهک در کویر مَینان در نزدیکی سبزواری زاده شد. پدر پدربزرگش، ملا قربانعلی معروف به آخوند حکیم، مردی فیلسوف و فقیه بود که در مدارس قدیم بخارا و مشهد و سبزواری تحصیل کرده و از شاگردان برگزیده حاج ملا هادی سبزواری محسوب می‌شد. ملا قربانعلی چهار فرزند به نام‌های محمود، احمد، حسن و حسین داشت. محمود که به‌هنگام مرگ پدر، به تحصیل علوم قدیمه مشغول بود، با اصرار مردم مَینان به آنجا آمد تا پیش‌نماز مسجد و مدرس حوزه علمیه باشد. او تا پایان عمر خود در مَینان ماند و چهار فرزند به نام‌های معصومه، قربانعلی، محمدتقی و آقامیرزا محمد از خود به‌جا گذاشت. محمدتقی شریعتی در سال ۱۳۱۱ با دختری روستایی از اهالی کاهک به نام زهرا امینی ازدواج کرد و اولین فرزند آنها، علی شریعتی بود.<sup>[۱۳]</sup>



شریعتی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان ابن‌یمنین در مشهد در سال ۱۳۱۹ آغاز کرد، اما به‌دلیل بحرانی‌شدن اوضاع کشور در سال ۱۳۲۰، محمدتقی شریعتی مجبور شد خانواده‌اش را به ده بفرستد و بنابراین وقفه کوتاهی در تحصیلات شریعتی ایجاد شد. پس از آن، شریعتی به همان دبستان برگشت و تحصیل را ادامه داد.<sup>[۱۳]</sup>

## نوجوانی و جوانی



علی شریعتی در جوانی

شریعتی در سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشهد شد. او پس از اتمام سیکل اول دبیرستان در ۱۶ سالگی، با هدف ادامه تحصیل وارد دانشسرای مقدماتی شد. وی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد شد و رشته زبان و ادبیات فارسی را برگزید. وجود تفکر خلاق باعث شد که شریعتی در طول دوران تحصیل در دانشکده ادبیات به انتشار آثاری چون: ترجمه ابودر غفاری، ترجمه نیایش اثر الکسیس کارل و یک رشته مقاله‌های تحقیقی در این زمینه همت گمارد. البته شریعتی ترجیح می‌داد به هر طریق تحصیلات عالی را بدون وقفه ادامه دهد، اما پدرش تأکید داشت که وارد دانشسرا شود که شاید علت اصلی آن وضع اقتصادی خانواده بود.<sup>[۱۳]</sup> در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۳۷ با پوران شریعت‌رضوی همکلاسیش ازدواج کرد.<sup>[۱۴]</sup>

شریعتی تحصیلات دانشگاهی خود را در مشهد گذراند و پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی به علت شاگرد اول شدنش برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد تا تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری در دانشگاه سوربن فرانسه و در رشته ادبیات ادامه دهد. وی در آنجا به تحصیل عمومی چون جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ، تاریخ ادیان، تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت و با استادان بزرگی چون لویی ماسینیون، ژرژ گوروویچ و سارتر و... آشنا شد. در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت و در مرز دستگیر شد. حکم دستگیری وی از سوی ساواک بود و متعلق به دو سال پیش یعنی در هنگام خروج از ایران که به همان دلیل معلق مانده بود و در عین حال لازم‌الاجرا بود. بعد از بازداشت به زندان قزل‌قلعه در تهران منتقل شد. اوایل شهریور همان سال بعد از آزادی به مشهد برگشت.<sup>[۱۴]</sup> در منابع همچنین اشاره شده‌است که وی یکسال پس از ورود به رشته فلسفه دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۵ از آن انصراف داده‌است.<sup>[۱۵]</sup>

در سال ۱۳۴۴ مدتی پس از بیکاری، اداره فرهنگ مشهد، استاد جامعه‌شناسی و فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن را به عنوان دبیر انشاء کلاس چهارم دبستان در یکی از روستاهای مشهد استخدام می‌کند، و سپس در دبیرستان به تدریس می‌پردازد و بالاخره به عنوان استادیار تاریخ وارد دانشگاه مشهد می‌شود. در سال ۱۳۴۸ به حسینیه ارشاد دعوت می‌شود و به زودی مسئولیت امور فرهنگی حسینیه را به عهده گرفته و به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی می‌پردازد. اما سرانجام در سال ۱۳۵۲، رژیم شاه، حسینیه ارشاد را تعطیل نمود، و شریعتی را به مدت ۱۸ ماه روانه زندان کمیته شهربانی می‌کند. وی پس از آزادی از زندان روزهای بسیار سختی را پشت سر گذاشت و بارها توسط مأموران ساواک تهدید شد و تحت شکنجه روحی و جسمی قرار گرفت.<sup>[۱۴]</sup>

## تحصیل در دانشگاه سوربن

علی شریعتی در بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۴ در فرانسه زندگی می‌کرد. ژیلبر لازار استاد راهنمای علی شریعتی و همسرش، پوران شریعت‌رضوی، در دانشگاه سوربن در دوره دکترا بود.<sup>[۱۶]</sup> لازار، تصحیح متن فارسی کتاب فضائل بلخ، نوشته صفی‌الدین بلخی و ترجمه آن به فرانسه را برای رساله دکتری به شریعتی پیشنهاد کرد. به گفته او، شریعتی، برخلاف پوران، که به رساله خود در مورد گلستان سعدی شدیداً علاقه‌مند بود، هیچ علاقه‌ای به موضوع رساله خود نداشت.<sup>[۱۷]</sup> شریعتی در سال ۱۹۶۳ تز دکترایش را در ۱۵۵ صفحه به زبان فرانسه و با عنوان «فضائل بلخ» ارائه کرد. او توانست با کمترین نمره ممکن که فقط برای قبولی کافی است مدرک خودش را بگیرد. برخی به اشتباه نوشته‌اند که او مدرک دکترایش را در جامعه‌شناسی یا تاریخ ادیان یا هر دو گرفته‌است. برخی نیز با توجه به تز دکترایش استدلال می‌کنند که مدرک دکترای او در زمینه فیلولوژی است. عنوان رسمی مدرک او «تاریخ اسلام در قرون وسطی» بود. سفارت ایران در پاریس مدرک او را به عنوان مدرک دکترا در ادبیات به رسمیت شناخت.<sup>[۱۸]</sup>

## زندگی مخفیانه

شریعتی از آبان ماه ۱۳۵۱ تا تیر ماه ۱۳۵۲ به زندگی مخفی خود روی آورد. ساواک به دنبال او بود و از تعطیلی حسینیه ارشاد به بعد، متن سخنرانی‌های شریعتی با اسم مستعار به چاپ می‌رسید. در تیر ماه ۱۳۵۲، ساواک پدر علی شریعتی و بعد برادر خانم وی را به گروگان گرفت و به زندان اوین برد تا شریعتی به ناچار خود را معرفی کند. بعد از آن روز به مدت ۱۸ ماه به انفرادی رفت و پس از آن آزاد شد زیرا شاه به دلیل فشارهای بین‌المللی و درخواست وزیر فرهنگ الجزایر دریافت که نگه داشتن شریعتی در زندان بیش از آزادی او می‌تواند به شهرت و محبوبیت او بیفزاید.<sup>[۱۹]</sup> اسارت درازمدت در سلول، او را سخت به نور آفتاب حساس کرده بود و از نظر روحی هم بسیار افسرده شده بود. رژیم شاه همه راه‌های مبارزه اجتماعی را بر او بسته بود، حسینیه ارشاد تعطیل و او از تدریس در دانشگاه محروم شده بود. مبارزه مخفی هم عملاً امکان نداشت. ساواک او را شدیداً تحت نظر داشت و روز به روز حلقه این محدودیت‌ها تنگ‌تر می‌شد. شریعتی خود می‌گوید: «ظاهراً آزاد هستیم و از قید اسارت، به اصطلاح رهایی یافته‌ام ولی آنچه مسلم است نوع زندانم تغییر کرده و از زندان دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام». دکتر شریعتی پس از دو سال، خسته از وضعیتش تصمیم به «هجرت» می‌گیرد. ممنوع‌الخروج بودن مانع بزرگی برای مهاجرت او به خارج از کشور بود. اما وی با گرفتن گذرنامه با اسم فامیلی «مزینانی» توانست از کشور خارج شده و تهران را به مقصد بروکسل ترک کند. شریعتی پس از چند روز اقامت در بروکسل آنجا را به مقصد ساوت‌همپتون انگلیس ترک می‌کند و در آنجا درمی‌گذرد.

## مرگ



اقامه نماز میت بر پیکر علی شریعتی توسط موسی صدر. ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده نیز در مراسم حضور دارند.



آرامگاه علی شریعتی

وی طی مهاجرتش در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در حالی که سه هفته از سفرش به انگلستان می‌گذشت، در ساوت‌همپتون درگذشت.<sup>[۲۰]</sup> دلیل رسمی مرگ وی انسداد شرایین و نرسیدن خون به قلب اعلام شد؛ هرچند مرگ وی توسط برخی به دلیل نداشتن سابقه بیماری قلبی، عدم کالبدشکافی و اعلام نتیجه سریع و خبرداشتن سفارت ایران در لندن از مرگ وی قبل از اعلام رسمی خبر مشکوک دانسته شد.<sup>[۲۱]</sup> اما دکتر عبدالکریم سروش در روایتی دیگر متذکر شده که جنازه دکتر شریعتی یکبار پس از مرگ در سردخانه بیمارستان و دفعه بعد پس از کالبد شکافی توسط بیمارستان ساوت‌همپتون به هنگام غسل دادن در مسجدی کوچک در لندن مشاهده کرده‌است. بنا به گفته وی جنازه وی در دیدار اول کاملاً سالم و در دفعه دوم دارای شکافتگی‌های متعدد ناشی از کالبد شکافی بوده‌است و بیمارستان علت مرگ وی را طبیعی اعلام کرده‌است.<sup>[۲۲]</sup>

احمد اشرف می‌نویسد که علی شریعتی بر اثر سکته قلبی درگذشت، در حالی که مخالفین شاه، سازمان ساواک را مقصر مرگ او قلمداد می‌کردند.<sup>[۲۳]</sup> هوشنگ شهبانی هم می‌نویسد که بر اثر سکته قلبی درگذشت، اما پیروانش تمایل داشتند درباره مرگش افسانه‌سازی کنند (مانند رفتارهای مشابهی که در انقلاب‌های دنیا رخ می‌دهد). شهبانی در نهایت رفتارهایی که در دوران زندانی شدنش در گذشته را با وضعیت جسمی اش نامرتبب نمی‌داند.<sup>[۲۴]</sup>

شریعتی وصیت کرده بود که وی را در حسینیۀ ارشاد دفن کنند، ولی هم‌اکنون در قبرستانی کنار حرم زینب کبری، در شهر دمشق نگهداری می‌شود و خانواده‌اش هزینه نگهداری جسد وی را متقبل شدند.<sup>[۲۵]</sup>

ناهدید فکوهی می‌گوید: "آن شب تا ساعت یازده دور هم نشسته بودیم و حرف می‌زدیم ولی دکتر ساکت و غمگین و گرفته بود و حرفی نمی‌زد. حدود نیمه شب، علی فکوهی و ناهید به خانه خودشان می‌روند و با نسرين قرار می‌گذارند که فردا صبح آماده باشند تا به اتفاق هم به بدرقه دوستشان بروند. دکتر هم به اتاق خوابی که، در طبقه پایین قراردادشده‌است می‌رود که بخوابد بعد از مدتی دکتر به سارا می‌گوید، لیوان آبی برایش ببرد. سارا آب را می‌برد و پس از گذشت مدتی باز بچه‌ها را صدا می‌زند و چای می‌خواهد. به نظر ناآرام می‌رسیده و خوابش نمی‌برده‌است. سوسن و سارا و نسرين هم برای استراحت، با طبقه بالا می‌روند و

می‌خوابند فردا صبح ساعت هشت، ناهید با آقای فکوهی برای بردن خواهرشان نسرين به خانه می‌آیند و در می‌زنند، ولی کسی در را باز نمی‌کند! مدتی هم پشت درمی‌مانند تا نسرين، از خواب بیدار می‌شود. او که برای باز کردن در به طبقه پایین می‌آید، می‌بیند که دکتر در آستانه در ورودی اتاق به پشت افتاده و بینی اش به نحوی غیرعادی سیاه شده و باد کرده‌است. وحشت زده در را باز می‌کند، با اضطراب جریان را به برادرش می‌گوید. ناهید و برادرش متحیر وارد خانه می‌شوند، ناهید بلافاصله نبض دکتر را گرفته و می‌بیند نبض او از حرکت ایستاده‌است و نسرين هم نبض دکتر را می‌گیرد و او هم نظر ناهید را تأیید می‌کند، بلافاصله نسرين به طبقه بالا می‌رود تا مراقب بچه‌ها باشد تا پدرشان را به آن حال نبینند علی فکوهی، وحشت زده و غمگین فوراً با اورژانس تماس می‌گیرد، آمبولانس می‌رسد و پس از معاینه نظر می‌دهند که دکتر در گذشته‌است<sup>[۲۶]</sup>

شریعتی در گورستانی کنار زینبیه در دمشق مدفون است.

## فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

### کانون نشر حقایق اسلام

محمدتقی شریعتی پدر شریعتی به همراه عده‌ای قابل توجه از فرهیختگان متدین مشهد با ایجاد کانون نشر حقایق اسلامی در سال ۱۳۲۳، مبارزه با افکار توده‌ای را آغاز کردند. هم‌زمان تلاش کردند تا افکار و اندیشه‌های دینی را هم بازسازی کرده با انحراف و تحریف مبارزه کنند.<sup>[۲۷]</sup>

هنگام آغاز فعالیت کانون شریعتی یازده ساله بود و در پانزده سالگی او، کانون به یک نهاد مهم نوگرایی مذهبی تبدیل شده بود. هدف سخنرانان کانون القای فلسفه‌ای اخلاقی بر پایه قرآن بود. از ۱۳۲۶ هنگامی که شریعتی ۱۴ ساله بود تا نخستین بار بسته شدن کانون در ۱۳۳۸، او در همه برنامه‌های آن شرکت می‌کرد و نقش بنیادینی در جذب برخی از دوستانش به کانون داشت.<sup>[۲۸]</sup> در ۱۳۳۰ اعضای جوان کانون که بیشترشان دانش آموزان دبیرستان بودند با پیروی از نمونه کانون تصمیم به برپایی سازمانی ویژه خود با عنوان انجمن اسلامی دانش‌آموزان در مشهد کردند.<sup>[۲۸]</sup>

علی شریعتی در ۱۳۳۱ به این انجمن پیوست. اعضای انجمن برای آماده ساختن خود برای مبارزه فکری با هواداران و اعضای جوان حزب توده از شریعتی خواستند که آن‌ها را در فلسفه و شیوه سخنوری آموزش دهد. کانون جایگاه مکتبی مقدماتی و سکوی پرشی بود که اعضایش از جمله شریعتی می‌توانستند از آن برای پیوستن به احزاب سیاسی موجود استفاده کنند.<sup>[۲۸]</sup> بیشتر جوانان عضو کانون (نشر حقایق اسلام) به تدریج به نهضت خدایپرستان سوسیالیست گرایش پیدا کردند.<sup>[۲۸]</sup>

## نهضت خدایپرستان سوسیالیست

در مشهد محمد تقی شریعتی پیرو نهضت خدایپرستان سوسیالیست بود و به دنبال سفر محمد نخب و حسین راضی و تشکیل حوزه حزب ایران و سپس جمعیت آزادی مردم ایران که در حقیقت ادامه دهنده راه و اندیشه نهضت خدایپرستان سوسیالیست محسوب می‌شدند، علی شریعتی نیز به نهضت خدایپرستان سوسیالیست پیوست؛ و همان‌جا نخستین آموزه‌های اسلام انتقادی‌اش را کسب کرد.<sup>[۲۹]</sup> او تحت تأثیر این آموزه‌ها کتاب ابوذر خدایپرست سوسیالیست نوشته جوده السحر را در سال ۱۳۳۴ ترجمه و منتشر ساخت.

سامان باورشناسی این نهضت بر سوسیالیسم به عنوان نظامی اقتصادی استوار بود که عدالت اجتماعی و توحید را بنیاد فلسفی خود برمی‌شمرد. نهضت باور داشت که سوسیالیسم بر پایه نفی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، سریع‌ترین راه برای از میان برداشتن بهره‌کشی، تهیدستی و محرومیت توده‌هاست؛ و نیز به باور این گروه دستیابی به این هدف‌ها، گوهر مفهوم عدالت در اسلام بود.<sup>[۲۸]</sup>

## نهضت مقاومت ملی

شریعتی از پیرامون به مرکز مبارزه وارد شد و به شاخه مشهد نهضت مقاومت ملی به رهبری سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان و یدالله سجایی پیوست. علی شریعتی یکی از سخنگویان و فعالان آتشین این نهضت علیه سلطه و استثمار غرب در ایران بود. فعالیت‌های مصرانه‌اش باعث دستگیری او در سال ۱۳۳۶ و انتقال فوری‌اش به زندان قزل‌قلعه در تهران به مدت هشت ماه شد.

در جریان وقایع ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ اولین بازداشت او رخ داد و این اولین رویارویی او و نظام شاهنشاهی بود. او تحت تأثیر سنت‌های خانوادگی، به ویژه افکار نوگرایانه پدرش محمدتقی شریعتی، قرار گرفت. پدر بزرگش آخوند حکیم و عموی پدرش عادل نیشابوری از دانشمندان فقه، فلسفه و ادب به‌شمار می‌آمدند. پدرش کانون نشر حقایق اسلامی مشهد را بنیان نهاد و از مبتکرین و آغازگران جنبش نوین اسلامی به‌حساب می‌آمد.

## فعالیت‌های خارج از کشور

پس از قبول شدن در بورس تحصیلی، علی شریعتی برای مدتی دست از فعالیت‌های سیاسی کشید و برای ادامه تحصیلات عالی به فرانسه رفت. وی اندکی پس از رسیدن به پاریس به گروه فعالان ایرانی نظیر ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی‌صدر، صادق قطب‌زاده و مصطفی چمران پیوست و در سال ۱۳۴۱ سازمان نهضت آزادی ایران (بخش خارج از کشور) بنیان گذاشته شد. در جریان کنگره جبهه ملی ایران در اروپا در ویس‌بادن (جمهوری آلمان فدرال) در اوت ۱۹۶۲ با نظر حسین راضی، شریعتی با توجه به قدرت فکری و قلمی‌اش، به عنوان سردبیر روزنامه فارسی‌زبان ایران آزاد (ارگان جبهه ملی ایران خارج از کشور در اروپا) انتخاب شد. اولین شماره این نشریه پس از سردبیری شریعتی در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۲ منتشر گردید. این نشریه دیدگاه‌های روشنفکران ایرانی خارج و نیز واقعیت‌های مبارزات مردم ایران را منعکس می‌کرد و ارگان رسمی جبهه ملی ایران در اروپا محسوب می‌گردید. قبل از آن پرویز ورجاوند سردبیری این نشریه را بر عهده داشت.<sup>[۳۰]</sup>

در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به سازمان آزادیبخش الجزایر می‌پیوند و سخت به فعالیت می‌پردازد. در سال ۱۳۳۸ خورشیدی مقاله‌ای تحت عنوان "به کجا تکیه کنیم" را در یکی از نشریات فرانسه منتشر می‌کند. در سال ۱۳۳۹ خورشیدی مقاله "شعر چیست؟" سائر را ترجمه و در پاریس منتشر می‌نماید و در همان اول به علت فعالیت در سازمان آزادیبخش الجزایر گرفتار می‌شود و در زندان پاریس با "گیوز" مصاحبه‌ای می‌کند که در سال ۱۳۴۳ در توگو چاپ می‌شود. در سال ۱۳۳۹ نیز مقاله‌ای تحت عنوان "مرگ فرانتس فانون" را در پاریس منتشر می‌کند، همچنین در طول مبارزات مردم الجزایر برای آزادی دستگیر می‌شود و مورد ضرب و شتم پلیس فرانسه قرار می‌گیرد و روانه بیمارستان می‌شود و سپس به زندان فرستاده می‌شود.<sup>[۱۴]</sup>

## حسینیه ارشاد

## اندیشه‌ها

شریعتی یکی از متفکران مسلمان بود و در عین حال، رویکردی نقادانه نسبت به برخی از باورهای مذهبی داشت. او به‌طور خاص، تشیع صفوی<sup>[۳۱]</sup> را مظهر سنت مسخ شده می‌داند و آن را توأم با اسارت‌پذیری، خرافه، تقلید و جبرگرایی معرفی می‌کرد.<sup>[۳۲]</sup>



شریعتی از عوامل جلب توجه دانشگاهیان ایران به مسئله انقلاب علیه حکومت پهلوی بود.

وی همچنین از نگاه سطحی به مدرنیته نیز انتقاد می‌کرد و معتقد بود که راه پیشرفت و ترقی ملت‌های شرقی، متفاوت از راهی است که غرب پیموده‌است.<sup>[۳۲]</sup> البته استفاده آگاهانه از تجربیات مدرنیته در غرب، مورد پذیرش شریعتی قرار داشت. شریعتی، محمدرضا حکیمی را به عنوان وصی خود جهت هرگونه دخل و تصرف در آثارش انتخاب کرده‌است.<sup>[۳۳]</sup>

## پارنویا

به باور علی شریعتی، تأسیس دولت صفوی در برابر امپراتوری عثمانی یکی از بزرگترین توطئه‌ها است تا با برانگیختن جنگ‌های مداوم میان دو امپراطوری، جهان اسلام را تضعیف کنند.<sup>[۳۴]</sup>

## نقد امپریالیسم

زمانی که شریعتی مشغول ترجمه کتاب پنج سال جنگ الجزایر بود، در سه نامه به قانون به نقد نظریات وی در مورد کنار گذاشتن دین به عنوان ابزاری برای مبارزه با امپریالیسم غربی پرداخت. شریعتی بر خلاف قانون معتقد بود که مردم تنها در صورتی می‌توانند با نظام امپریالیسم مبارزه کنند که نخست هویت فرهنگی خودشان را دریابند و هویت فرهنگی در برخی کشورها با سنت‌های مذهبی پیوند خورده‌است. شریعتی شعار بازگشتن به اصل و پیشینه مذهبی خود را مطرح می‌کرد.<sup>[۳۵]</sup>

## توحید

توحید از دیدگاه شریعتی چنان که خود او مدعی‌ست نه فقط یک تئوری کلامی اعتقادی و صرفاً یگانه پنداشتن خداوند که به منزله یک زیربنا و جهان‌بینی اعتقادی‌ست. او توحید را به عنوان اصل اصیل یکتاپرستی عنوان می‌کند و در آثار اسلام‌شناسی‌اش از آن در مقابل شرک یاد می‌کند.

شریعتی می‌گوید توحید عبارتست از:

... یک فلسفه جهان‌بینی و جهان‌شناسی که همان‌طور که می‌خواهد به جهان وحدت بدهد، از نظر خلقت (نیز می‌خواهد) به انسان وحدت بدهد، و همان‌طوری‌که می‌خواهد بین تمام عناصر جهان وحدت بدهد - جهان را به خیر و شر تقسیم نمی‌کند - همان‌طور می‌خواهد زیربنایی برای وحدت گروه‌ها و نژادها و طبقات بشری بسازد؛ و بنابراین توحید خدا، در عین حال که حقیقت توجیه‌کننده عالم است زیر بنای توحید انسان هم هست، و توحید معبود زیربنای توحید عابد، که انسان‌ها باشند، هست...

[نهضت ابراهیم] می‌خواهد به وسیله توحید، در عین حال که انسان را از نظر شناخت هستی بر گرد کانون واقعی و حقیقی عالم وجود بچرخاند، در عین حال بر گرد یک ملاک و یک زیربنای فکری، که اساس وحدت بشری و طبقاتی و نژادی را می‌سازد، بچرخاند، و سمبل هر دو کعبه است.<sup>[۳۶]</sup>

## سوسیالیسم

راه سوسیالیسم غیر دینی در ایران با تشکیل نهضت خدایپرستان سوسیالیست که محمد نخشب از بنیان‌گذاران آن و شریعتی از شناخته‌ترین چهره‌های آن بود، به سمت جمع شدن با آموزه‌های اسلام باز شد.<sup>[۳۷]</sup> شریعتی در مقدمه مقاله‌ای که در سال ۱۳۳۴ تحت عنوان مکتب واسطه نوشته می‌نویسد: «از میان مکتب‌های ماتریالیسم و ایدئالیسم، اسلام روش مختص به خود را دارد و آن را می‌توان رئالیسم نامید. رژیم اجتماعی و اقتصادی اسلام، سوسیالیسم عملی است که بر طرز فکر خدایپرستی استوار می‌باشد و حد وسط میان دو رژیم فاسد کاپیتالیسم و کمونیسم می‌باشد».<sup>[۳۸]</sup> از این رو شریعتی، ابودر، از اصحاب وفادار پیامبر را نمونه بارز یک سوسیالیست یکتاپرست می‌دانست که در برابر ستم حکومت ایستاد و به اعتراض برخاست. ترجمه کتاب ابودر نوشته عبدالحمید جوده‌السحار از او در سنین جوانی است.<sup>[۳۹]</sup>

شریعتی چنین می‌گوید:

... سوسیالیسم راستین، که جامعه‌ای بی‌طبقه می‌سازد، بدون مذهب ممکن نیست. زیرا انسان‌ها اگر به مرحله‌ای از رشد اخلاقی و کمال معنوی نرسند که بتوانند به خاطر برابری انسان‌ها از حق خود چشم پوشند و به مرحله ماوراء مادی «ایثار» برسند، جامعه‌ای برابر را نمی‌توان ساخت. زیرا حق‌ها هرگز برابر نیست و ماتریالیسم، جبراً به اندویدوئالیسم می‌انجامد و برعکس، مذهب نیز تا جامعه‌ای از بند افزون‌طلبی مادی و استثمار و تضاد طبقاتی رها نشده‌است، نمی‌تواند تحقق یابد. چه، تنها در چنین جامعه‌ای است که انسان رها شده از بند تنازع مادی، مجال آن را می‌یابد که از بیماری شیء شدن در نظام ماشینیسم و سرمایه‌داری، یا از خود بیگانه شدن در برابر بت پول و مصرف و گرگ‌ومیش شدن در رابطه طبقاتی [نجات] یابد ...

و در نتیجه، تکامل ذاتی خود ببردازد و خلق‌و‌خوی خدا را گیرد و جانشین خدا در طبیعت گردد و این‌ها است دعوت‌های نهایی مذهب، که تنها در جامعه‌ای بی‌طبقه، که بر اساس «کتاب و ترازو و آهن» استوار است، نه جهل و تبعیض و ضعف، می‌تواند تحقق عینی یابد و تحقق توحید در زندگی بشری، این است.<sup>[۴۰]</sup>

## شریعتی و حکومت دینی

شریعتی معتقد به برقراری حکومت دینی نبود، ایشان دموکراسی با رأی اکثریت را در جهان امروزی نه کاملترین بلکه قابل قبولترین حکومت می‌دانست: «اول باید ببینیم حکومت مذهبی چیست؟ حکومت مذهبی رژیمی است که در آن به جای رجل سیاسی، رجل مذهبی (روحانی) مقامات سیاسی و دولتی را اشغال می‌کنند و به عبارت دیگر حکومت مذهبی یعنی حکومت روحانیون بر ملت. آثار طبیعی چنین حکومتی یکی استبداد است، زیرا روحانی خود را جانشین خدا و مجری اوامر او در زمین می‌داند و در چنین صورتی مردم حق اظهار نظر و انتقاد و مخالفت با او را ندارند. یک زعیم روحانی خود را به خودی خود زعیم می‌داند، و نه به اعتبار رای و نظر و تصویب جمهور مردم.

بنابراین یک حاکم غیرمسئول است و این مادر استبداد و دیکتاتوری فردی است و چون خود را سایه و نماینده خدا می‌داند، بر جان و مال و ناموس مردم مسلط است و در هیچ گونه ستم و تجاوزی تردید به خود راه نمی‌دهد، بلکه رضای خدا را در آن می‌پندارد. گذشته از آن، برای مخالف، برای پیروان مذاهب دیگر، حتی حق حیات نیز قائل نیست. آن‌ها را مغضوب خدا، گمراه، نجس و دشمن راه دین و حق می‌شمارد و هرگونه ظلمی را نسبت به آنان عدل خدایی تلقی می‌کند. خلاصه حکومت مذهبی همان است که قرون وسطی کشیشان داشتند و ویکتور هوگو آن را بدقت ترسیم کرده است:»

کتاب مذهب علیه مذهب مجموعه آثار ۲۲ (توین بی، تمدن-مذهب) تهران چاپخش چ ۸ سال ۱۳۸۸ ص ۲۰۶ و ۲۰۷

## استبداد

شریعتی استبداد و دیکتاتوری را از عوامل بیرونی دفن استعدادهای انسانی «وقد خاب من دسلاها» می‌دانست و رستگاری انسان «فلاح» را تا خدا، تا «صدره المنتهی» (یک وجب مانده به خدا) بالاترین اعتقاد به اومانیسیم تلقی می‌کرد دکتر شریعتی استبداد و دیکتاتوری را عین شرک می‌داند و مستبد و دیکتاتور را کسی می‌شمرد که قصد خدایی کردن در زمین را دارد:

«پذیرش استبداد پذیرش شرک است: اگر سرنوشت خود را بدست کسی بسپاریم یا در دست کسی بیندازیم شرک آورده‌ایم؛ اگر آزادی خویش را به کسی فروختیم یا کسی را صاحب خود پنداشتیم یا ادعای کسی را که خود را صاحب ما می‌شمارد پذیرفتیم، مشرکیم ...

هرکس به خاطر قدرت، علم، ثروت و نژاد... تکبر ورزد و خود را از دیگران بزرگتر نشان دهد، یا اراده خود را بر خلق «تحمیل» کند و به «میل خود» حکومت براند، ادعای خدایی کرده، و هر که آن را بپذیرد «شرک» آورده است. زیرا «حکومت مطلقه»، «اراده مطلقه» تکبر، قدرت و تسلط و تملک در انحصار خداست.»

مجموعه آثار ۳۰، اسلام‌شناسی، ص ۹۴ و ۹۵

## امت و امامت

از دیگر نظریات عمده شریعتی نظریه امت، به پیشوایی امامت است. بسیاری این نظریه را سرآغاز پیدایش ولایت فقیه می‌دانند.

کتاب «امت و امامت» شریعتی به ویژه مورد انتقاد شدید تجدیدنظرطلبان بود، کتابی که در آن شریعتی رأی افراد ناآگاه جامعه را خوار شمرده و خواستار نوعی دموکراسی ارشاد شده برای جوامع عقب‌مانده تا دست یافتن آن‌ها به سطح قابل قبولی از توسعه شده بود. به باور منتقدان، شریعتی با طرح بحث امت و امامت و بی‌اعتنایی به رأی توده‌ها، ناخواسته به توجیه نظریه ولایت فقیه در جمهوری اسلامی کمک کرده بود.<sup>[۴۱]</sup>

شریعتی در این زمینه بحث دموکراسی رأس‌ها و دموکراسی رأی‌ها را مطرح می‌کند. دموکراسی رأس‌ها از نظر وی مربوط به جوامعی است که آرای افراد وابسته به دیگران است و مثلاً رئیس قبیله رأی خود را بر تمام قبیله تحمیل می‌کند. اما دموکراسی رأی‌ها مربوط به جوامعی است که افراد جامعه به «اندویدونالیسم کامل» رسیده‌اند.<sup>[۴۲]</sup>

شریعتی می‌گوید:

رهبری امت (امامت) متعهد نیست که همچون رئیس‌جمهور آمریکا، یا مسئول برنامه «شما و رادیو»، مطابق ذوق و پسند و سلیقه مشتری‌ها عمل کند، و تعهد ندارد که تنها خوشی و شادی و برخورداری -در حد اعلا- به افراد جامعه‌اش ببخشد. بلکه می‌خواهد و متعهد است که در مستقیم‌ترین راه‌ها، با بیشترین سرعت و صحیح‌ترین حرکت، جامعه را بسوی تکامل رهبری کند، حتی اگر این تکامل به قیمت رنج افراد باشد، البته رنجی که اکثریت، آگاهانه پذیرفته‌اند، نه که بر آن‌ها تحمیل کرده باشند. بدین ترتیب، «امامت» عبارت می‌شود از رسالت سنگین رهبری و راندن جامعه و فرد از «آنچه هست»، به سوی «آنچه باید باشد»، به هر قیمت ممکن، اما نه به «خواست شخصی امام»، بلکه بر اساس ایدئولوژی ثابتی که امام نیز بیشتر از هر فردی، تابع آن است و در برابرش مسئول! و از همین‌جا است که امامت از دیکتاتوری جدا می‌شود و رهبری فکری انقلابی با رهبری فردی استبدادی تضاد می‌یابد.<sup>[۴۳]</sup>

## مهدویت

شریعتی با نگرشی جامعه‌شناختی به مهدویت و اصل انتظار می‌نگرد، و انتظار مثبت را انتظاری نه انقیادبخش جامعه و به تعبیر خودش منفی که انتظار اعتراضی و عصیان‌کننده می‌داند.

شریعتی در کتاب *انتظار مکتب اعتراض* تأکید می‌کند که «انتظار» مهم‌ترین مؤلفه و مقوم «مهدویت» است؛ انتظاری که متناسب و متلائم با «اعتراض» است و یادآور روحیه عصیانگری و ظلم ستیزی و انقلابی یک شیعه ملتمز و واقعی است.<sup>[۴۴]</sup>

## شریعتی و منتقدین

دکتر شریعتی نگاه نو و خاصی به دین اسلام و به ویژه مذهب تشیع داشت و بر اساس این نگاه آرای مطرح کرد که موافقان و مخالفان فراوان داشته و بحث‌های فراوانی در نقد این آرا صورت گرفته‌است.<sup>[۴۵]</sup>

پوران شریعت رضوی دربارهٔ مخالفت‌هایی که با شریعتی می‌شد چنین می‌گوید: «به جز نظام حکومتی وقت که به شکل‌های مختلف برای او در دسرس درست می‌کرد، روحانیت سنتی و به ویژه بخش‌های بی‌سواد و قشری آن، بیشترین مخالفت‌ها را با علی و آرای او می‌کرد که با جوسازی، شایعه پراکنی، افتراهای دروغ، بیانیه‌نویسی و صدور فتوا و طرد و لعن و... همراه بود.»<sup>[۴۶]</sup>

## روحانیت و شریعتی

شریعتی بارها تأکید می‌کرد که در اسلام به جای روحانی، عالم دینی وجود دارد، وی اعتقاد داشت که روحانی چیزی مقتبس از تعالیم مسیحی قرون وسطی بوده که با ظهور سلطنت صفوی در قبال ملا و آخوند بر اسلام تحمیل شده‌است؛ بنابراین همچنانکه دین مسیحی قرون وسطی را یکی از علل بی‌اعتمادسازی دین در قرون حاضر می‌دانست. روحانیت اسلامی را یکسره مردود می‌دانست و عنوان عالم دینی را شایسته نشانیدن بر جایگاه روحانیت خرافی کنونی می‌دانست. وی در یکی از نوشته‌هایش چنین می‌نویسد:

من غیر از اینکه اساساً اصطلاح «روحانیت» را یک اصطلاح اسلامی و شیعی نمی‌دانم و معتقدم این اصطلاح اخیراً از مسیحیت گرفته شده و در متون اسلامی ما چنین کلمه‌ای بدین معنی نیامده‌است، بلکه در اسلام به جای روحانی و جسمانی، ما عالم داریم و متعلم و بنابراین باید به جای روحانی گفت «عالم اسلامی». و اما راجع به علمای اسلامی، این را می‌خواهم ادعا کنم و ده‌ها قرینه و نمونه عینی بر اثبات آن دارم؛ که از میان نویسندگان و سخنرانان و حتی علما و فضایی اسلامی معاصر، هیچ‌کس (البته در حد امکانات و نوع کار و کاراکترش) به اندازه من افتخار دفاع جدی و مؤثر عملی و فکری از این جامعه گرانقدری که امید بزرگ و سرمایه عزیز ماست، نداشته‌است، دلیل:

۱- در کتاب «انتظار» طلبه را به نقل از *ونسان مونتی*، پرولتر فکری خوانده‌ام، این مجاهدان پاکباز راه علم و ایمان که با پولی که از مخارج یک مرغ آمریکایی است، جوانی را فدای آموزش دین می‌کنند و در زمانی که هر دانشجویی رشته تحصیلی‌اش را براساس درآمد آینده‌اش انتخاب می‌کند، وی رشته‌ای را برگزیده‌است که دوران طلبگی‌اش اینچنین به زهدی باور نکردنی می‌گذرد.

۲- دریک کنفرانس عمومی دانشجویی در حسینیه ارشاد خطاب به دانشجویان گفتم که من، برای آینده این نهضت فکری، برای بیداری مردم و احیای روح حقیقی اسلام و برانگیختن روح معترض و عدالتخواه شیعه علوی و رستگاری جامعه، به طلاب بیشتر از شما امید بسته‌ام.<sup>[۴۷]</sup>

همچنین شریعتی در کتاب *اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی* در مقایسه‌ای بین *روشنفکر* و روحانی نکته‌ای را متذکر می‌شود که چه بسیار روشنفکرانی که به مملکت خویش خیانت کرده‌اند و زیر قراردادهای استعماری را امضا کرده‌اند، ولی هیچ‌جا نمی‌توان حتی یک امضای عالم روحانی را در چنین قراردادهای خائنانه‌ای دید.

علاوه بر آن در مقایسه‌ای بین سیستم حوزه علمیه و دانشگاه به دلایل بسیار زیادی همچون اقامت محصل، انتخاب درس، بورسیه تحصیلی حوزه و... روش کار حوزه را بسیار مترقی تر نسبت به دانشگاه بیان می‌کند.

در بحث دموکراسی و سیستم‌های مدیریت نیز در این کتاب شریعتی روش انتخاب مستقیم توسط مردم به روش دموکراسی مرسوم و فعلی را زیر سؤال می‌برد و روش غیرمستقیم برای انتخاب راس هرم حکومت را توسط نخبگان برگزیده مردم مناسب تر می‌داند.

مهدی بازرگان دربارهٔ ریشه‌های اختلاف شریعتی و روحانیت می‌نویسد:

روحانیت در همهٔ ادیان و ادوار به دو دلیل با امثال دکتر شریعتی‌ها ناسازگاری دارد. یکی اینکه تجدد و نوآوری را منافی با اصالت و استحکام دین دانسته، می‌ترسند در مبانی و معتقدات مردم که تا حدود زیادی بر تشریفات و تاجر و سنت‌ها و افکار کهن تکیه دارد، تزلزل حاصل شود و دلیل مهم‌ترشان این است که اصلاً نمی‌خواهند هیچ فردی که خارج از صنف و کسوت مقدس است وارد قلمروی واسطگی بین خدا و خلق خدا شود.



این رویه شریعتی منجر به موضع‌گیری روحانیون علیه او شد. مرتضی انصاری قمی خواستار حبس و اعدام شریعتی شد. او به دولت، مردم و روحانیون هشدار داد: «در یک قرن اخیر، اسلام و تشیع هیچگاه دشمنی خطرناک‌تر و گستاخ‌تر از علی شریعتی به خود ندیده‌است». ناصر مکارم شیرازی با چاپ مقاله‌ای در مجله مکتب اسلام و با عنوان «آیا شورا مبنای حکومت اسلامی است؟» نظر شریعتی را نادرست دانسته و استدلال کرده بود که شیعه به انتخاب خلیفه بر اساس رأی شورا معتقد نیست و خلیفه را منتخب خدا و پیامبر می‌داند. تعدادی از طلاب قم نزد شهاب‌الدین نجفی مرعشی و شریعتمداری مراجعه و اظهار داشته‌اند که علی شریعتی در یکی از سخنرانی‌هایش در حسینیه ارشاد منکر امام زمان شیعیان شده و گفته‌است دعای ندبه سند معتبر ندارد و مرعشی گفت من دکتر شریعتی را نمی‌شناسم ولی اگر او چنین حرفی گفته باشد کافر است. با انتشار این فتوای رسمی، حسینیه ارشاد در آبان ۱۳۵۱ تعطیل گردید. پس از تعطیلی ارشاد، فتاوی مذهبی علی حسینییه ارشاد و شریعتی به شدت گسترش یافت. شریعتی نهایتاً به دلیل دستگیری پدرش، در تیرماه ۱۳۵۲ خود را تسلیم کرد و زندانی شد. پس از دستگیری وی محمد بهشتی، سید هادی خامنه‌ای و چند نفر از طلاب قم در منزل مرتضی مطهری حضور داشتند که مطهری ضمن انتقاد از شریعتی گفت صرف نظر از افکار نادرست وی، ضربۀ جبران‌ناپذیری بر هماهنگی روحانیت و طبقه تحصیلکرده زد و آن‌ها را نسبت به هم سخت بدبین نمود و احساسات جمعی از جوانان خام را علیه روحانیون برانگیخت. ابوالحسن قزوینی در پاسخ به استفتایی نوشت: «هرچند مدتی است کسالت دارم و قادر بر مطالعه نیستم، ولی نظر به مطالعه اجمالی، کتب مذکور مطابق با مذهب تشیع نمی‌باشد و انکار خاتمیت و انکار ضروری دین اسلام است.» علامه سید محمدحسین طباطبایی در پاسخ به استفتایی نوشت: «این جانب نوشته‌های دکتر شریعتی را در خصوص اسلام‌شناسی هرگز تصدیق نکرده، نوع مطالب ایشان اشتباه و طبق مدارک دینی اسلامی غیرقابل قبول است.» سید کاظم مرعشی هم در پاسخ به استفتایی دیگر خرید و فروش کتب شریعتی را حرام دانست. همچنین سید علی اصفهانی اعلام کرد: «نوشتجات نامبرده مشتمل بر اباطیل گوناگون است.»

صدور فتواها علیه شریعتی تا پس از مرگ وی ادامه داشت و در این زمان آقایان خوبی، مرعشی نجفی، شاهرودی، عبدالله شیرازی، مالک حسینی، علی نمازی و... فتاوی مشابهی علیه شریعتی صادر کردند. در این زمان تلاش‌هایی هم شد که فتوایی له یا علیه شریعتی از روح‌الله خمینی صادر شود، اما وی در این باره همواره سکوت کرد. محمد یزدی در خاطرات خود از جلسه مدرسین قم پیش از انقلاب برای تصمیم‌گیری درباره شریعتی می‌نویسد:

جلسه مزبور در منزل نوری همدانی تشکیل شده بود و بحث به مرز کفر و ایمان رسیده بود. پس از شور و مشورت، آقایان به این نتیجه رسیدند که اعلام کفر در مورد شریعتی بازتاب خوبی ندارد و در کل به مصلحت اسلام و مسلمین نیست... آقای مصباح یزدی در آن ماجرا قائل به دیدگاه خاصی بودند و بقیه اعضای جامعه در برابر ایشان قرار داشتند.

به این ترتیب بخشی از روحانیون نزدیک به خمینی نیز که بعدها وارد حکومت جمهوری اسلامی شدند، تنها به دلیل مصلحت از اعلام کفر شریعتی خودداری کرده بودند. مرتضی مطهری در نامه‌ای در آستانه انقلاب اسلامی به سید روح‌الله خمینی می‌نویسد: [۴۸]

کوچک‌ترین گناه این مرد بدنام کردن روحانیت است. او همکاری روحانیت با دستگاه‌های ظلم و جور علیه توده مردم را به صورت یک اصل کلی اجتماعی درآورد و مدعی شد که ملک و مالک و ملا و به تعبیر دیگر تیغ و طلا و تسبیح همیشه در کنار هم بوده و یک مقصد داشته‌اند.

شریعتی جور دیگر به روحانیت نگاه می‌کرد و معتقد بود روحانیت کارش متفاوت با سخنرانی و وعظ است. طرز فکر و برداشت میرزا خلیل کمره‌ای نسبت به شریعتی با بسیاری از علمای هم عصر وی متفاوت بود. وی در کتاب خود به نام فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی، کتاب سلمان پاک اثر مستشرق فرانسوی پروفیسور لویی ماسینیون، ترجمه علی شریعتی را نقد نمود. در سال ۱۳۵۱، میرزا خلیل کمره‌ای نسخه‌ای از کتاب فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی را توسط فرزندش امیرحسین برای شریعتی ارسال داشت و ضمن تشکر از تحقیقات علمی شریعتی درباره تاریخ ادیان و اسلام، از او خواست که به ۱۹ نکته علمی در ترجمه کتاب سلمان پاک مراجعه و آن‌ها را مورد بازنگری و تحقیق بیشتر قرار دهد.

## شریعتی و مصطفی ملکیان

ملکیان گفته‌است یکی از مؤثرترین کتاب‌هایی که در طول عمرش خوانده‌است کتاب کویر شریعتی است. اما او نقدهایی را هم بر شریعتی وارد می‌داند و می‌گوید:

چگونه آدم می‌تواند سارتر را با عین‌القضات همدانی یا حلاج را با کامو جمع کند؟ من می‌گویم اگر در تفکر من دیدید دو شخصیت متفکری که قابل جمع نیستند، با هم جمع شده‌اند، بدانید که لااقل دانش من از یکی از آن دو شخصیت متفکر ناقص است که توانسته‌اند در خیال‌خانه ذهن من کنار هم بنشینند. فرض کنید من اگر در تفکرم گفتم که مولانا و خیام در خیال‌خانه ذهن من در کنار هم نشسته‌اند، لااقل بدانید که من یکی از این دو را نمی‌شناسم. چون اگر مولانا را قبول داشته باشی، نمی‌توانی خیام را هم قبول داشته باشی یا اگر خیام را قبول داشته باشی نمی‌توانی مولانا را قبول داشته باشی، چرا؟ نه به خاطر اینکه یک نکته نیست که در آن حق با مولانا و خیام باشد و یک حرف را بزنند، از این نکات وجود دارد اما بن و بن‌مایه فکر متفاوت است. شما که نمی‌توانید یک جمله از حرف‌های مرا با یک جمله از حرف‌های فرد دیگری در کنار هم بگذارید و بعد بگویید این دو یک‌جور فکر می‌کنند، باید دید این دو جمله از چه بن‌مایه‌هایی برخاسته‌اند. بن‌مایه مادی‌انگاره سیمون دو بووار و سارتر کجا و بن‌مایه عین‌القضات و حلاج کجا، وگرنه در سخن عیسی و در سخن مارکس هم حرف مشترک وجود دارد، اما با استناد به این کسی نمی‌تواند بگوید من یک عیسوی مارکسیست هستم یا یک مارکسی مسیحی‌ام! مارکسیسم از بن و بنیاد مسیحیت را نفی می‌کند و مسیحیت هم از بن و بنیاد مارکسیسم را نفی می‌کند؛ بنابراین سازگاری دو جمله از این متفکر با دو جمله از متفکر دیگری، غیر از این است که من می‌توانم مسیحی مارکسیست باشم. متأسفانه این نکته در آثار شریعتی بارز است، به نمایه آثار شریعتی رجوع کنید و این را مقایسه کنید با نمایه نوشته‌های مهندس بازرگان یا دکتر

سروش یا مجتهد شبستری، می‌بینید که نمایه آثار شریعتی بسیار مفصل‌تر است، نام بسیاری از شخصیت‌ها می‌آید و چند برابر از دیگر نواندیشان دینی هم می‌آید ولی این همه ارجاع دادن و این همه آدم را در منظومه فکری خود نشان دادن و نشانیدن به نظر من نشان‌دهنده آن است که تفاوت‌ها را نتوانسته ببیند، آن هم تفاوت‌های بنیادی را، نیچه هم با مارکس و مسیح سخن مشترک دارد ولی مسیح کجا، نیچه کجا.

— مصطفی ملکیان، ملکیان، وبگاه شریعتی در نیمه حرف (<http://shariati.nimeharf.com/Shariati/article-category/nagd/>)  
(/digaran/mostafamalekian)

## پس از انقلاب

### شریعتی و ایدئولوژی

یکی از نقدهای بارز بر شریعتی ایدئولوژی‌یزه کردن دین است که نخستین بار در دهه ۶۰، داریوش شایگان، با عنوان ایدئولوژی کردن سنت در کتاب خود با عنوان ایدئولوژی بر آن خرده گرفت.

شریعتی ایدئولوژی را مقدم بر فرهنگ می‌داند و در تحلیل تاریخی‌اش ادعا می‌کند که تمامی تحولات تاریخ و تمدنی پس از ظهور یک مکتب و ایدئولوژی و ایمان و فکر و حرکت ایدئولوژیک و عقیدتی نوین بوده‌است.<sup>[۴۹]</sup> وی با جدا کردن ایدئولوژی از فرهنگ و فرق نهادن بین آن دو، عقاید و احکام ارزشی و عملی اسلام را به مثابه یک مکتب یا ایدئولوژی ثابت و وحیانی معرفی می‌کند.<sup>[۴۹]</sup> شریعتی می‌گفت: «دین داریم به منزله ایدئولوژی و دین داریم به منزله فرهنگ». به اعتقاد وی ایدئولوژی آن بود که نزد ابودر (غفاری) و فرهنگ آن که نزد ابوعلی (سینا) بود.<sup>[۵۰]</sup>

تمبر یادبود علی شریعتی که در سال ۱۳۵۹ توسط شرکت پست ایران منتشر شده است



از نظر داریوش آشوری، روشنفکر معاصر، هنر شریعتی این بود که برای تبدیل دین به ایدئولوژی به معنای گفتمان بسیج‌گر سیاسی برای دگرگونی انقلابی به یاری زبان‌آوری خاص خود توانست به اسطوره‌های سنتی شیعه، رنگ اسطوره‌های انقلابی مدرن بزند.<sup>[۵۱]</sup> شایگان با کمک گرفتن از تعبیر ایدئولوژی شدن سنت بر این باور است که تلاش‌های فکری شریعتی دچار تناقض است.<sup>[۵۲]</sup>

این رویکرد ایدئولوژی اندیشی شریعتی در دین البته مورد انتقاد شدید روشنفکر دینی عبدالکریم سروش هم هست. سروش از منظر معرفت‌شناسی دین به آن می‌نگرد و در فربه‌تر از ایدئولوژی آن را ایدئولوژیک کردن دین می‌نامد. وی با مردود دانستن چنین معرفتی آن را «شبه معرفت غفلت‌آمیز»، «خادم منافع»، «مشروعیت‌بخش به قدرت حاکم»، «معطوف به قدرت و سیاست و انقلاب»، «تعارض‌زدا از عین و ذهن» و «باعلت و بی‌دلیل» می‌خواند.<sup>[۵۳]</sup>

## شریعتی و تحلیل‌گران

محسن کدیور از روحانیون منتقد روحانیت حاکم در ایران درباره شریعتی چنین می‌گوید: «شریعتی در عین انتقاد از سنت، منتقد مدرنیته هم بود، بنابراین بی شک پیشقراول نواندیشی دینی و روشنفکری دینی در ایران محسوب می‌شود و هرگز نمی‌توان جریان او را از جریان کنونی روشنفکری دینی در ایران جدا دانست»<sup>[۵۴]</sup>

احسان شریعتی فرزند شریعتی در رابطه با پدر چنین می‌گوید: «تجربه معنوی و انسانی شریعتی می‌تواند حتی برای نسل جوان، صرف نظر از اینکه چه نوع اعتقاد دینی و ایدئولوژیکی داشته باشند جالب باشد»<sup>[۵۵]</sup> از نظر احسان شریعتی در برخورد با اندیشه شریعتی باید میان ابعاد و زوایای گوناگون فکری وی تفکیک کرد و آن‌ها را از منظر انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در نظر داشت. به نظر وی درک شریعتی از توحید هستی باید در پرتو نوسازی اندیشه مذهبی و درک توحیدی از انسان و جهان با نوعی جهان بینی جدید مورد تأمل قرار گیرد. وی شریعتی را متفکری متعلق به حوزه پدیدارشناسی دانسته و تفاوت نگرش شریعتی را در جایگزین کردن درک‌ها و برداشت‌های دگر اندیشانه در گذر زمان از مقولاتی همچون عقل و اجماع می‌داند، که دو عنصر علم و زمان جای آن را گرفته‌اند.<sup>[۵۶]</sup>

از نظر عبدالکریم سروش، فیلسوف ایرانی موضع‌گیری عموم گروه‌ها و طبقات جامعه درباره علی شریعتی، چه در دوران حیات و مبارزه او و چه پس از وفات وی دستخوش تغییر شده‌است الا موضع‌گیری روحانیون درباره وی که همواره نگاهی ثابت در خصوص وی داشتند و آن موضع این بود که او مطرود و غیرمقبول است و سخنانش سخنان ضد دین است و خدمت او نه خدمت بلکه خیانت است.<sup>[۵۷]</sup>

بیژن عبدالکریمی بر این باور است که بیشتر تحلیل‌ها و نظراتی که در مورد شریعتی صورت گرفته‌است در افق گذشته بوده‌است. وی معتقد است که دفاع از شریعتی بیشتر در فضاهای سیاسی و ایدئولوژیک شکل گرفته‌است. به نظر وی بایدی شریعتی را در افق آینده فهم کرد. از نظر وی شریعتی نه تنها به جهان مدرن برخوردی منفعلانه نداشته‌است بلکه مواجهه وی را کنش‌گرانه می‌داند. از نظر بیژن عبدالکریمی، روشنفکرانی همچون سروش، شایگان و جواد طباطبایی که شریعتی را به ایدئولوژیک اندیشی متهم می‌کنند مبتلا به خطای هرمنوتیکی شده‌اند.<sup>[۵۸]</sup>

سید جواد میری معتقد است که خوانش برخی از روشنفکران همچون سید جواد طباطبایی، بخاطر عدم تفکیک میان خواندن و خوانش از شریعتی امری اشتباه است. به نظر میری باید آثار شریعتی را در دل یک سنت فکری خوانش کرد. به نظر میری، شریعتی تکامل انسانی را با توجه به استعدادی که خداوند در انسان گذاشته است تفسیر می‌کند. [۵۹]

محمدامین قانع‌راد، شریعتی را یک متفکر سنتز گرا می‌داند که توانسته است میان مقولاتی همچون اسلام، اگزستانسیالیسم و سوسیالیسم سنتزی را ایجاد کند. او پروژه شریعتی را مدرنیته می‌داند که به دو عنصر آزادی و عدالت پرداخته‌اند. [۶۰]

## شخصیتی به نام شاندل



«طرح شاندل - طراح: علی شریعتی» [۶۱]

**شاندل** (۲ آذر ۱۳۱۲، فرانسه - ۲۹ خرداد ۱۳۵۶، تونس) نام یک شخصیت غیر واقعی و نمادین است که در برخی نوشته‌ها و سخنرانی‌های شریعتی نام برده می‌شد و توسط خود او ساخته شده [۶۲] (با به زبان دیگر خود شریعتی است) شاندل در زبان فرانسوی به معنای شمع است [۶۳]. از طرفی شمع تخلص مورد استفاده شریعتی بود که از کنار هم گذاشتن حروف اول کلمات (شریعتی، مزینانی، علی) که سازنده نام او بودند، به وجود آمد.

تا سال‌ها کسی از یک شخص بودن شریعتی و شاندل خبر نداشت و سال‌های بعد از فوت او، جستجوگران در یافتن فردی به نام شاندل عاجز مانده بودند تا زمانی که مطالعاتی بر دست نوشته‌های شخصی ایشان صورت گرفت و با نشانه‌هایی که خود شریعتی در خصوص شاندل گذاشته بود، به یکسان بودن شخصیت شاندل و شریعتی پی بردند [۶۴].

شمع سرواژه‌ای از کلمات { شریعتی، مزینانی، علی } سازنده نام اوست [۶۴].

در سال‌های آغازین دهه ۳۰، علی شریعتی که جوانی ۲۰ ساله بود اشعارش را با نام مستعار «شمع» در روزنامه خراسان به چاپ می‌رساند.

دلیل این عمل این بود که پدر ایشان محمدتقی شریعتی از روشنفکران و فعالان سیاسی-مذهبی مطرح آن زمان بود و او نمی‌خواست نامش را فاش کند [۶۴] یا گمان می‌کرد که اشعارش کیفیت بالایی ندارند و هنوز پخته نیستند و هیچ وقت قصد انتشار آنان را نداشت.

شعرهایم سوزانده شود که نماند مگر «قوی سپید» و «غریب راه» و «در کشور» و «شمع زندان» (وصیت نامه)

[۶۵][۶۶]

اما او برخی از اشعارش را با نام خود در این روزنامه به چاپ رسانید [۶۷]. اولین شعر او «شمع زندان» نام داشت که شمع نماد خود شریعتی بود [۶۴][۶۸].

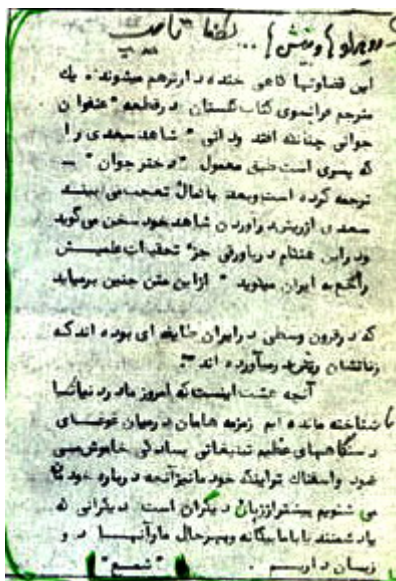
شریعتی اکثر مقالات حرفه‌ای و علمی خود را به نام خود در روزنامه خراسان به چاپ می‌رسانید و گاهی از نام «شمع» استفاده می‌کرد اما بعدها در نشریه ایران آزاد، ارگان سازمان‌های اروپایی جبهه ملی ایران، و همچنین در نشریه نامه پارسی با نام مستعار «شمع» در آن مطلب می‌نوشت. [۶۹][۷۰] دلیل این کار برای داشتن امنیت و پنهان ماندن از چشم ساواک بود.

## آثار

شریعتی آثار عمده‌ای در زمینه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دارد. اکثر کتاب‌های شریعتی جمع‌آوری سخنرانی‌های تحریر یافته او در حسینیه ارشاد، دانشگاه‌ها، یا مجموعه‌ای از مقالات و نوشته‌های پراکنده او هستند که توسط مرکز نشر آثار دکتر شریعتی به صورت مجموعه آثار در سی و شش جلد پس از مرگ وی به چاپ رسیده است.

علی شریعتی در آذر ۱۳۵۵، شش ماه قبل از مرگش وصیت‌نامه‌ای نوشته و به دست محمدرضا حکیمی سپرده است. خانواده شریعتی پس از اطلاع از این نامه، از محمدرضا حکیمی خواستند که او نوشته‌ها و گفته‌های شریعتی را بنا به وصیتش بازبینی کند اما حکیمی چنین نکرد و اصل نامه را نیز به خانواده شریعتی بازگرداند.

## گفتارها



مقاله علی شریعتی با نام مستعار «شمع» در نشریه

در تالار حسینیه ارشاد



شریعتی همواره به خاطر سخنرانی‌هایش در حسینیه ارشاد مورد انتقاد روحانیت واقع می‌شد.

- تاریخ ادیان (از درس ۱ تا ۱۴)
- اسلام‌شناسی (از درس ۱۵ تا آخر)
- نگاهی به تاریخ فردا ۲۰/۷/۴۸
- نسل نو مسلمان ۳/۸/۴۷
- روش شناخت اسلام ۹/۸/۴۷
- علی (ع) حقیقتی بر گونه اساطیر ۱۵/۱۲/۴۷
- علی (ع) حقیقتی بر گونه اساطیر ۱۶/۱۲/۴۷
- امت و امامت در جامعه‌شناسی ۱۱/۱/۴۸
- امت و امامت در جامعه‌شناسی ۱۲/۱/۴۸
- امت و امامت در جامعه‌شناسی ۱۳/۱/۴۸
- امت و امامت در جامعه‌شناسی ۱۴/۱/۴۸
- متمدن و متجدد ۱۹/۲/۴۸
- علی تنهاست ۱۱/۹/۴۸
- علی (ع) و حیات با روش پس از مرگ ۱۲/۹/۴۸
- علی (ع) و حیات با روش پس از مرگ ۱۳/۹/۴۸
- علی (ع) و حیات با روش پس از مرگ ۱۴/۹/۴۸
- علی انسان تمام ۲۰/۹/۴۸
- میعاد با ابراهیم ۲۸/۱۲/۴۸
- میعاد با ابراهیم ۲۹/۱۲/۴۸
- میعاد با ابراهیم ۱/۱/۴۹
- میعاد با ابراهیم ۲/۱/۴۹
- نیایش ۱۳/۱/۴۹
- تاریخ و ارزش آن در اسلام ۱۵/۵/۴۹
- مذهب علیه مذهب ۲۲/۵/۴۹
- مذهب علیه مذهب ۲۳/۵/۴۹
- روشنفکر و مسئولیت آن در جامعه ۳۰/۵/۴۹
- روشنفکر و مسئولیت آن در جامعه ۳۱/۵/۴۹
- فلسفه تاریخ در اسلام (در ادیان ابراهیمی) ۱/۶/۴۹
- اجرای برنامه در مسجد الجواد (تاریخ در اسلام) ۱۴/۱۲/۴۹
- فاطمه، فاطمه‌است ۱۵/۴/۵۰
- انتظار مذهب اعتراض ۸/۸/۵۰
- تشیع علوی و تشیع صفوی ۹/۸/۵۰
- مسئولیت شیعه بودن ۱۵/۸/۵۰
- سال فداکاری در راه مکتب ۱۶/۸/۵۰
- چه نیازی به علی؟ ۱۷/۸/۵۰
- آری اینچنین بود ای برادر ۱۸/۸/۵۰
- علی بنیان‌گذار وحدت ۱۹/۸/۵۰
- پدر، مادر، ما متهمیم ۲۰/۸/۵۰
- از کجا آغاز کنیم ۱/۹/۵۰
- شهادت (تاسوعا) ۶/۱۲/۵۰
- حسین وارث آدم (عاشورا) ۷/۱۲/۵۰
- پس از شهادت (مسجد نارمک) ۷/۱۲/۵۰
- نقش انقلابی یاد و یادآوران در تاریخ تشیع ۲۱/۶/۵۱
- قرن ما در جستجوی علی (ع) ۳/۶/۵۱
- زیباترین روح پرستنده ۲۲/۶/۵۱
- قسمت اول سمینار (ایام فاطمیه) ۲۲/۴/۵۱
- قسمت دوم سمینار ۲۳/۴/۵۱
- قسمت سوم سمینار ۲۴/۴/۵۱

- قسمت چهارم سمینار
- قسمت پنجم سمینار
- هجرت و تمدن (۲ قسمت)
- تشیع سرخ (سخنی در مورد نمایشنامه سربداران)
- مقدمه‌ای بر نمایشنامه ابوزر
- پاسخ به سئولات مربوط به درس‌ها
- یک حزب تمام (۲ شب)
- پیروان علی و رنجهایشان ۴/۸/۵۱
- سوره روم پیام امید به روشنفکر مسئول ۵/۸/۵۱
- قاسطین، مارقین، ناکتین ۷/۸/۵۱
- اسلام در آمریکا (به همراه دکتر پرتوماه)
- دائرةالمعارف شیعه مقدمه بر کنفرانس آقای حسن الامین
- علی اگر می‌گفت: آری
- علی، یک روح در چند بعد (سه جلسه)
- پیروزی در شکست
- ماشین در اسارت ماشینیسیم
- استحمار
- قصه حسن و محبوبه
- قوقولی قوقو

سخنرانی‌ها در دانشگاه‌ها موجود به صورت نوار، کتاب یا پلی‌کپی

سال	روز	موضوع	جای	توضیحات
		از کجا آغاز کنیم؟	دانشگاه آریامهر	
		ماشین در اسارت ماشینیسیم	دانشکده پلی تکنیک	
		جامعه‌شناسی شرک	دانشکده ادبیات تهران	
		انقلاب در ارزش‌ها	دانشکده ادبیات تهران	
		ریشه‌های اقتصادی - طبقاتی رنسانس	مدرسه عالی بازرگانی	
		متدلوژی علم	مدرسه عالی بازرگانی	
		علم یا استولاستیک جدید	دانشکده پزشکی تهران	
		انسان و تاریخ	دانشکده فنی تهران	
		چهار زندان انسان	مدرسه عالی علوم تربیتی	
		اگزستانسیالیسم	دانشکده ملی	
		علل انحطاط مذاهب	دانشگاه ملی	
		استانداردهای ثابت در <u>تعلیم و تربیت</u>	دانشسرای عالی سپاه بهداشت	
		استحمار	مدرسه عالی دختران	۲ سخنرانی
		انتظار مذهب اعتراض		گفتگو با دانشجویان <u>دانشکده نفت</u> آبادان
		استخراج و تصفیه منابع فرهنگی	دانشکده نفت	
		جهان بینی	دانشکده نفت آبادان	
		مخروط فرهنگ‌شناسی	دانشکده نفت آبادان	
		فرهنگ و ایدئولوژی	دانشسرای عالی تهران	
		ایمان در علم	دانشگاه مشهد - تالار رازی	
		میعاد با ابراهیم	دانشگاه مشهد - تالار رازی	
		هنر در انتظار موعود	دانشگاه مشهد - تالار رازی	
		کتاب		سخنرانی در انجمن کتاب <u>دانشگاه</u> <u>مشهد</u>
		انسان دیروز و انسان امروز	دانشگاه مشهد - دانشکده علوم	
		بازگشت به خویشتن	دانشگاه جندی‌شاپور - اهواز	
		نیازهای انسان امروز	دانشگاه جندی‌شاپور - اهواز	
		انسان بی‌خود	دانشکده ادبیات - دانشگاه تهران	
		روح جدید علم	<u>دانشگاه صنعتی آریامهر</u>	
		خدا در خانه یک کنیز (فلسفه حج)	دانشگاه مشهد	
		اومانیسیم در قصد <u>خلقت آدم</u>	دانشکده نفت آبادان	انترپولوزی فلسفی
		چهار زندان انسان	دانشکده نفت آبادان	
		ایدئولوژی	دانشکده نفت آبادان	
		رسالت روشنفکر برای ساختن جامعه	دانشکده نفت	
		تأمل در خویش		

## سخنرانی‌ها در سفر مکه همراه کاروان حسینیه ارشاد و سایر مؤسسات

- پس از شهادت (مسجد جامع نارمک ۷/۱۲/۵۰)
- اجرای برنامه در مسجد الجواد (۱۴/۱۲/۴۹) تاریخ در اسلام
- تمدن و تجدد (دبیرستان مهستی مشهد - سرپرست و مسئول هاشم منتجمی)
- مجموعه سخنرانی‌ها در سفر مکه سال ۴۸ به همراه کاروان ارشاد
- مجموعه سخنرانی‌ها در سفر مکه سال ۴۹ به همراه کاروان ارشاد
- مجموعه سخنرانی‌ها در سفر مکه سال ۵۰ به همراه کاروان ارشاد
- بیعت و وصالت (دموکراسی و رهبری انقلابی) (کانون مهندسیین تهران)

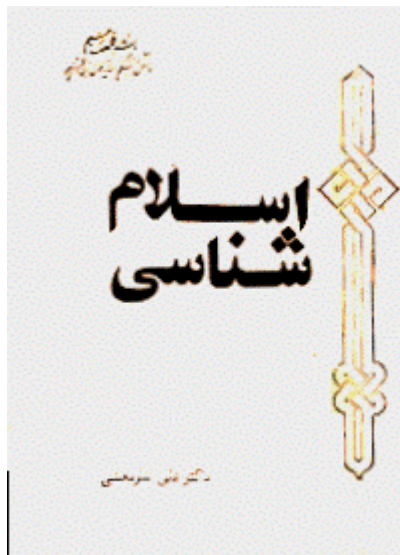
## درس‌ها در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰

- تاریخ اسلام (سال ۷-۱۳۴۶ دانشکده ادبیات)
- درس‌های تاریخ ادیان (سه دور - دانشکده ادبیات)
- درس تاریخ تمدن (چهار دوره شامل، جهان بینی و محیط نگاه زرد کنفرانس خام خاکپور - دیالک تیک)
- تاریخ قرون جدید (سه سال تدریس شده در سه جلد)
- قرون جدید (یک جلد به وسیله دانشجویان از نوار پیاده شده)
- «جهان در آستانه بعثت» فصل اول ایران (درس‌های دانشکده ادبیات در فصول مختلف
- سیاست‌یسم (علم‌پرستی) و پیدایش طبقه روشنفکر «قرون جدید» از رنسانس تا ۱۹۶۴
- رنسانس و تاریخ اروپا از پایان قرون وسطی تا ۱۶۶۰ (سال سوم رشته تاریخ ۶-۱۳۴۵)
- درس «فلسفه و معارف اسلامی»
- جامعه‌شناسی مکتب و آثار آلبر کامو به عنوان شاگرد لوکوس (دانشکده ادبیات)
- انسان در تمدن جدید (درس‌های تاریخ تمدن - ادبیات)
- مکتب‌ها و نظرهای گوناگون در باب تاریخ (پلی‌کیپی سال ۴۶ درس فلسفه تاریخ - دانشکده ادبیات)
- دین و سرگذشتش (جلد دوم تاریخ ادیان - ادبیات)
- پس از پیغمبر (پلی‌کیپی - ادبیات - درس اسلام‌شناسی)
- فلسفه تاریخ (دانشکده ادبیات - رشته تاریخ - دو دوره)
- تاریخ کشورهای مجاور (روسیه - عراق - ترکیه - پاکستان و دانشکده ادبیات - یکسال) توضیح: درس پاکستان کنفرانس آقای منشی‌زاده است که به وسیله دکتر تصحیح شده است و کامل و بنام منشی‌زاده چاپ شده.
- تاریخ عقاید سیاسی و اقتصادی (سال ۴۶/۴۵ - دانشکده ادبیات سال چهارم)
- تاریخ ایران پس از اسلام (دانشکده ادبیات یکسال)
- تاریخ علم (دانشکده علوم)
- پیروزی پس از شکست

## کتاب‌ها

در این فهرست کتاب‌ها بر اساس ترتیب مجموعه آثار قرار دارند:

- با مخاطب‌های آشنا
- خودسازی انقلابی
- ایوذر
- بازگشت
- فاطمه، فاطمه است
- ما و اقبال
- تحلیلی از مناسک حج
- شیعه
- نیایش
- تشیع علوی و تشیع صفوی
- جهت‌گیری طبقاتی در اسلام
- تاریخ تمدن (۲ جلد)
- هبوط در کویر [۷۱]
- تاریخ و شناخت ادیان (دو جلد)
- اسلام‌شناسی (درس‌های حسینیه ارشاد) (سه جلد)



درس‌های اسلام‌شناسی شریعتی از  
مهمترین و جنجال برانگیزترین  
کتاب‌های شریعتی بود.

- حسین وارث آدم
- چه باید کرد؟
- زن
- مذهب علیه مذهب
- جهان بینی و ایدئولوژی
- انسان
- انسان بی خود
- علی حقیقتی بر گونه اساطیر
- بازشناسی هویت ایرانی اسلامی
- روش شناخت اسلام
- میعاد با ابراهیم
- اسلام‌شناسی (سخنرانی‌های دانشگاه مشهد)
- ویژگی‌های قرون جدید
- هنر
- گفتگوهای تنهایی (دو جلد)
- امت و امامت
- نامه‌ها
- آثار گونه‌گون (دو جلد)
- آثار جوانی (دو جلد)

## نمونه اشعار

دو نمونه از اشعار دکتر شریعتی: [۱۷۲]

### شمع

امشب از بهر خدا بیدار باش  
رحم کن امشب مرا غمخوار باش

تا سحر ای شمع بر بالین من  
سایه غم ناگهان بر دل نشست

ورنه مرگ امشب به فریادم رسد  
چون به دام مرگ افتادم رسد

... آه! ای یاران به فریادم رسید  
ترسم آن شیرین تر از جانم ز راه

جز توأم در این جهان غمخوار کو؟  
وای بر من وای بر من یار کو؟...

... همدم من، مونس من، شمع من  
واندرین صحرای وحشت زای مرگ

### بسوزم

چه بهتر که از شکوه خاموش باشم

... چو کس بازبان دلم آشنا نیست



# چو یاری مرا نیست همدرد بهتر که از یادیاران فراموش باشم

## آثار درباره‌ی علی شریعتی

برخی از آثاری که درباره‌ی دکتر شریعتی منتشر شده‌اند:

- مردی از خاکستان، طاها حجازی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۴.
- شریعتی در جهان، حمید احمدی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶.
- ارزیابی مناسبات فکری آیت‌الله مطهری و دکتر علی شریعتی، رسول جعفریان، تهران: شرکت انتشارات صیدا، ۱۳۶۸.
- میعاد با علی، حسن یوسفی اشکوری: نشر تفکر، ۱۳۷۲.
- نگاهی دوباره به مبانی فلسفه سیاسی شریعتی، بیژن عبدالکریمی: نشر مؤلف، ۱۳۷۰.
- پیغام زخم، پرویز خرسند، تهران: انتشارات نقطه، ۱۳۷۳.
- طرحی از یک زندگی، پوران شریعت‌رضوی، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۶.
- دکتر شریعتی از دیدگاه شخصیت‌ها، جعفر پژوم: نشر اشراقیه، ۱۳۷۶.
- شریعتی، ایدئولوژی، استراتژی، حسن یوسفی اشکوری، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۷.
- حکایت‌هایی از زندگی دکتر شریعتی، شعبانعلی لامعی، تهران: انتشارات رامند، ۱۳۷۸.
- نیندیشیده مانده‌های فلسفی اندیشه معلم شریعتی، احسان شریعتی، تهران: بنیاد فرهنگی دکتر شریعتی، ۱۳۷۹.
- دیدگاه چهارم و سخنگوی آن دکتر علی شریعتی، حسن توانائیان‌فرد، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۹.
- شریعتی، متفکر فردا، هاشم آغاچری، تهران: انتشارات ذکر، ۱۳۷۹.
- جایگاه علم و روش در اندیشه دکتر شریعتی، محمدعلی ذکریایی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۹.
- شریعتی در دانشگاه مشهد، ناصر آملی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۹.
- باردیگر شریعتی، سیدقاسم یاحسینی، تهران: انتشارات نگاه امروز، ۱۳۷۹.
- مسلمانی در جستجوی ناکجاآباد، علی رهنما، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: انتشارات گام نو، ۱۳۸۰.
- شریعتی و سروش: بررسی مقابله‌ای آراء و نظریات، سیدبهنام عربی زنجانی، تهران: نشر آریابان، ۱۳۸۰.
- ایدئولوژی: ضرورت یا پرهیز و گریز، رضا علیجانی، تهران: نشر چاپخش، ۱۳۸۰.
- بازشناسی اندیشه‌های شریعتی (ویژه‌نامه)، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰.
- تبارشناسی عقلانیت مدرن، محمدامین قانع‌راد، ویراسته بیژن عبدالکریمی، تهران: انتشارات نقد فرهنگ، ۱۳۸۱.
- ققنوس عصیان (تألیف گروهی با آثاری از سوسن شریعتی، علی رهنما، پروانده آبراهامیان و...)، تهران: انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۱.
- شریعتی: راه یا بیراهه، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۱.
- شریعتی‌شناسی: اصلاح انقلابی، رضا علیجانی، تهران: انتشارات یادآوران، ۱۳۸۱.
- زند خام، شریعتی‌شناسی: زمانه، زندگی و آرمان‌های شریعتی، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۱.
- شریعتی و بازفهمی دین، محمدیاسین دژاکام، تهران: انتشارات ذکر، ۱۳۸۱.
- از فراسوی مرزها، حمید احمدی، تهران: انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۳.
- شریعتی، آزادی، انسان و دموکراسی، امیرعباس سعیدی‌پور، تهران: انتشارات پردیس، ۱۳۸۳.
- از شریعتی، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.
- تقلیدگری و مدرنیته از دیدگاه دکتر شریعتی، وحید قربانی، تهران: انتشارات اخوان، ۱۳۸۴.
- شناسنامه یک زندگی: شریعتی به روایت شریعتی، میراحمد باقرزاده ارجمندی، تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز: تاریخ معاصر ۱۴، ۱۳۸۴.
- شریعتی از نگاه سه نسل: گفتگو با محمدتقی شریعتی، سیدغلامرضا سعیدی، سوسن شریعتی و...، مینم محمدی، تهران: انتشارات قلم نو، ۱۳۸۵.
- آخرین پرونده: آلبوم عکس‌های علی شریعتی، سوسن شریعتی و مقدمه مونا شریعتی، تهران: مؤسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی، ۱۳۸۵.
- کاربرد آیات قرآن در اندیشه دکتر علی شریعتی، امیررضایی، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۸۷.
- اندیشه در مرز، حاتم قادری، تهران: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۸۷.
- مکتب شریعتی، سیدعباس موسوی، تهران: انتشارات دانش‌بیگی، ۱۳۸۸.
- شریعتی و غرب، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۸.
- سه شریعتی در آینه ذهن ما، رضا علیجانی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۹.
- درآمدی بر انسان‌گرایی علی شریعتی، سیدنورالحق کاوش، آلمان: نشر نیما، ۲۰۰۲.
- دکتر علی شریعتی، روح‌الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دکتر علی شریعتی، ناصر نادری، تهران: انتشارات مدرسه.
- دکتر شریعتی: جستجوگری در مسیر شدن، سید محمد حسینی بهشتی، تهران: انتشارات بقعه.

- از دموکراسی تا مردم‌سالاری دینی: نگرشی بر اندیشه سیاسی شریعتی و زمانه او، صادق زیباکلام، تهران: انتشارات روزنه.
- ده مقاله در جامعه‌شناسی دینی و فلسفه تاریخ، با تأملی در زندگی و اندیشه دکتر شریعتی، غلامعباس توسلی: انتشارات قلم، ۱۳۶۴.

و...

## یادبودها

### نگارخانه



شریعتی و همسرش یوران  
شریعت‌رضوی



شریعتی در جوانی



شریعتی در اوایل جوانی



تصویری از شریعتی



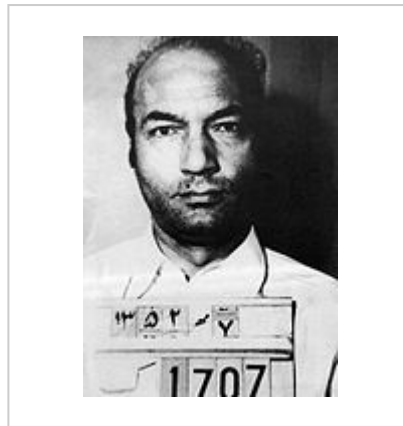
شریعتی در میانسالی



شریعتی و همسرش شریعت‌رضوی



نگاره علی شریعتی و سید روح‌الله  
خمینی در راهپیمایی



شریعتی در زندان ساواک



شریعتی و همکارانش در حسینیه  
ارشاد



یادبود دکتر علی شریعتی (تمبر  
۱۳۵۹)



راهپیمایی پس از انقلاب ۱۳۵۷



تظاهرات پس از انقلاب ۱۳۵۷

## جستارهای وابسته

- [کانون نشر حقایق اسلام](#)
- [نهیض مقاومت ملی](#)
- [نهیض خدایرستان سوسیالیست](#)
- [لویی ماسینیون \(استاد شریعتی\)](#)
- [حسینیه ارشاد](#)

## پانویس

۴. نامشخص (2012). "shariati, ali" (<https://books.google.com/books?id=B105DQAAQBAJ&pg=PA1162&lpg=PA1162&dq=shariati+death+ali+heart+attack&source=bl&ots=hgaoRREbv0&sig=jmVKDsMX94Lw30ZHxvatfvXuzyU&hl=en&sa=X&ved=0ahUKEwj6uLKvafbAhViMZoKHeK4DOIQ6AEIajAJ#v=onepage&q=shariat%20death%20ali%20heart%20attack&f=false>). In Mark Juergensmeyer, Wade Clark Roof. *Encyclopedia of Global Religion*. 1. SAGE. p. 1162. Retrieved 28 May 2018.

۵. «معبودهای دکتر شریعتی» (<http://drshariati.org>) دکتر-علی-ی-شریعتی/اسناد/تصاویر/معبودهای-شریعتی/). پایگاه

۱. «زندگی‌نامه دکتر شریعتی» (<http://shariati.nimeharf.co/m/Shariati/article-442>) زندگی‌نامه-دکتر-علی-شریعتی/). وبگاه معلم شهید دکتر علی شریعتی. دریافت‌شده در ۲۵ مه ۲۰۱۱.

۲. «گواهی اشتغال به تحصیل» (<http://drshariati.org/show.a?sp?ID=289&q>). پایگاه اطلاع‌رسانی علی شریعتی. دریافت‌شده در ۲۵ مه ۲۰۱۱. "تاریخ تولد دوم آذر سال ۱۳۱۲ ذکر شده است"

۳. «سالشمار زندگی علی شریعتی» (<http://drshariati.org>) سالشمار-زندگی-علی-شریعتی/). پایگاه اطلاع‌رسانی علی شریعتی. دریافت‌شده در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۲.

۲۴. Chehabi, Houchang (۱۹۹۰). *Iranian Politics and Religious Modernism: The Liberation Movement of Iran Under the Shah and Khomeini* ([https://books.google.com/books?id=JJEIQbUnGyYC&pg=PA209&lpg=PA209&dq=shariati+death+ali+heart+attack&source=bl&ots=-svqgv3PPS&sig=54DM8p7uZ7RLyso-RFs\\_AxUUAn8&hl=en&sa=X&ved=0ahUKewjq6uLkVafbAhViMZoKHeK4DOIQ6AEIPjAB#v=onepage&q=shariat+i%20death%20ali%20heart%20attack&f=false](https://books.google.com/books?id=JJEIQbUnGyYC&pg=PA209&lpg=PA209&dq=shariati+death+ali+heart+attack&source=bl&ots=-svqgv3PPS&sig=54DM8p7uZ7RLyso-RFs_AxUUAn8&hl=en&sa=X&ved=0ahUKewjq6uLkVafbAhViMZoKHeK4DOIQ6AEIPjAB#v=onepage&q=shariat+i%20death%20ali%20heart%20attack&f=false)). I.B.Tauris. ص. ۲۰۹.
۲۵. <http://tarikhirani.ir/fa/news/30/bodyView/4426/0.html>. احسان شریعتی: می‌خواهیم وصیت پدرم اجرا شود. <http://tarikhirani.ir/fa/news/30/bodyView/4426/0.html>. احسان شریعتی: می‌خواهیم وصیت پدرم اجرا شود. (html). پارامتر | عنوان = یا |title = ناموجود یا خالی (کمک)
۲۶. پوران، شریعت رضوی، طرحی از یک زندگی، انتشارات چاپخس، ۱۳۷۲، صص: ۲۴۲ و ۲۴۳
۲۷. «تاریخ شفاهی کانون نشر حقایق اسلامی» <http://www.ir.dc.ir/fa/book/359/default.aspx>. وبسایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۸. چهره‌نگاری سیاسی علی شریعتی: آرمان‌نگار اسلامی، علی رهنما، انتشارات حسینیه ارشاد، چاپ نخست، ۱۳۸۱. صص: ۳۱-۷۲-۷۴-۱۱۶-۱۷۷
۲۹. بیات، آصف، شریعتی و مارکس، مجله اندیشه یویا، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱، ص ۷۶
۳۰. زندگی علی شریعتی، زینب س. <http://www.sharghian.com/mag/archive/005924.html>
۳۱. شریعتی، علی، تشیع علوی و تشیع صفوی، انتشارات حسینیه ارشاد
۳۲. پدram، مسعود (تیر ۱۳۷۶)، «قدر شریعتی»، ماهنامه ایران فردا (شماره ۳۴)، ص. صفحه ۲۳
۳۳. اسفندیاری، محمد، راه خورشیدی، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، تهران
۳۴. اشرف، توهم توطنه، ۷ تا ۴۶.
۳۵. ناصر فرگزولو، از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی، ص ۸۷، پاریس ۲۰۰۶
۳۶. «آثار دکتر شریعتی: توحید و شرک» <http://www.shariati.com/farsi/tohidsherk/tohidsherk3.html>. وبگاه علی شریعتی.
۳۷. «فردانیوز: نهضت خدایرستان سوسیالیست» <http://www.fardanews.com/fa/news/66444> نهضت-خدایرستان-سو سیالیست). پایگاه خبری تحلیلی فردانیوز.
۳۸. «نهضت خدایرستان سوسیالیست» <http://www.ensani.ir/fa/content/11479/default.aspx>. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۹. «شریعتی و نهضت خدایرستان سوسیالیست» <http://ohw.m.ir/show.php?id=597>. هفته‌نامه تاریخ شفاهی.
۴۰. «مقالات دکتر شریعتی: اگر یاپ و مارکس نبودند» <http://www.shariati.com/farsi/popemarx.html>. وبگاه علی شریعتی.
۴۱. «دکتر شریعتی و ناکارآمدی انتخابات در جامعه نامتوازن» [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/06/060619\\_mj-z-shariati-30years-on.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/06/060619_mj-z-shariati-30years-on.shtml). وبگاه بی‌بی‌سی فارسی.
۴۲. «شریعتی و دموکراسی» [http://zamaaneh.com/idea/2007/11/post\\_186.html](http://zamaaneh.com/idea/2007/11/post_186.html). وبگاه رادیو زمانه.
۴۳. «متن کتاب امت و امامت نوشته دکتر علی شریعتی» <http://www.hezarsangar.com/akharin-anavin/akharin-anavin4180-454.html>. وبگاه خبری تحلیلی هزارسنگر.
۴۴. «مهدویت انقلابی و مهدویت عرفانی» <http://www.mehrn.ameh.ir/article/2028>
- اطلاع‌رسانی دکتر شریعتی. دریافت‌شده در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۱.
۶. «مدرک دکتر شریعتی برای اعزام به فرانسه» <http://drsh.ariati.org/show.asp?ID=55&q>. پایگاه اطلاع‌رسانی علی شریعتی. دریافت‌شده در ۲۵ مه ۲۰۱۱.
۷. «گذرنامه دکتر شریعتی» <http://drshariati.org/show/?id=452>. پایگاه اطلاع‌رسانی علی شریعتی. دریافت‌شده در ۲۵ مه ۲۰۱۱.
۸. عبدالکریم سروش، از شریعتی، تهران، صراط، ۱۳۸۴، صص ۱۳۷-۱۶۱
۹. «عبدالکریم سروش: شریعتی و فلسفه» <http://www.iptr.a.ir/vdcdgakt3993.html>. کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت. دریافت‌شده در ۲۵ مه ۲۰۱۱.
۱۰. نامشخص (۲۰۱۲). "shariati, ali" (<https://books.google.com/books?id=B105DQAAQBAJ&pg=PA1162&lpg=PA1162&dq=shariati+death+ali+heart+attack&source=bl&ots=hgaoRREbv0&sig=jmVKDsMX94Lw30ZHxvatfvXuzyU&hl=en&sa=X&ved=0ahUKewjq6uLkVafbAhViMZoKHeK4DOIQ6AEIajAJ#v=onepage&q=shariat+i%20death%20ali%20heart%20attack&f=false>). In Mark Juergensmeyer, Wade Clark Roof. *Encyclopedia of Global Religion*. 1. SAGE. p. 1162. Retrieved 28 May 2018
۱۱. [۱] <http://www.britannica.com/biography/Ali-Shariati> The Encyclopaedia of Britannica: Ali-Shariati (<http://www.britannica.com/biography/Ali-Shariati>)
۱۲. «تاریخ ایرانی - احسان شریعتی: می‌خواهیم وصیت پدرم اجرا شود» <http://tarikhirani.ir/fa/news/30/bodyView/4426/0.html>. [tarikhirani.ir](http://tarikhirani.ir). دریافت‌شده در ۲۳-۰۳-۲۰۱۸.
۱۳. شریعت رضوی، پوران، طرحی از یک زندگی، انتشارات چاپخس، تهران، ۱۳۷۶، صص ۵، ۱۸ و ۲۵
۱۴. «زندگی‌نامه دکتر شریعتی» <http://www.shariati.com/bio.html>. وبسایت دکتر شریعتی. دریافت‌شده در ۲۶ مرداد ۱۳۹۰.
۱۵. بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی -- سالشمار <http://drsha.riati.org/?p=44#more-44>
۱۶. کتابشناسی ادبیات فارسی در زبان فرانسه (به زبان فرانسه)، محمدجواد کمالی، انتشارات سخن‌گستر و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴
۱۷. رهنما ۱۳۸۰، صص ۱۷۴ و ۱۷۵
۱۸. *Rāhnamā, Alī* (۱۹۹۴). *Pioneers of Islamic Revival* (<https://books.google.com.tw/books?id=Bmz9y2osH1YC&q=lazard#v=snippet&q=lazard&f=false>). Palgrave Macmillan. صص. ۲۲۴-۲۲۵.
۱۹. «گالری عکس‌های دکتر شریعتی» <http://www.shariati.com/m/photogalleryf.html>. وبسایت دکتر شریعتی. دریافت‌شده در ۱ بهمن ۱۳۹۱.
۲۰. «شریعتی»، از مرگ مشکوک تا میز محاکمه منتقدان» <https://www.isna.ir/news/95032917424> شریعتی-از-مرگ-مشکوک-تا-میز-محاکمه-منتقدان). ایسنا. دریافت‌شده در ۲۸ مه ۲۰۱۸.
۲۱. «مرگ مبهم دکتر شریعتی» <http://shariati.nimeharf.com/m/Shariati/article-70>. وبسایت دکتر علی شریعتی. ۱۸ مهر ۱۳۸۹. دریافت‌شده در ۲۶ مرداد ۱۳۹۰.
۲۲. «آخرین روزهای دکتر علی شریعتی» <http://archive.mard.omsalari.com/Template1/News.aspx?NID=30751>. دریافت‌شده در ۲۰۱۷-۰۲-۱۶.
۲۳. Ahmad Ashraf, "CONSPIRACY THEORIES" in *Encyclopædia Iranica*, Vol. VI, Fasc. 2, pp. 138-147

۵۹. <http://www.mehrnews.com/news/3887769> شریعتی- تکامل-انسان-را-به-منابه-یک-استعداد-استعلائی-درک-می-کند
۶۰. <http://www.mehrnews.com/news/3887759> شریعتی- فرزند-زمانه-شکست-است-تبار-شناسی-اندیشه-شریعتی
۶۱. «شاندل» <http://drshariati.ir/media.asp?page2=1&sho> (w=96). پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر شریعتی.
۶۲. امیررضایی. «میزگرد دوم پیرامون شناخت شخصیت شریعتی» <http://drshariati.ir/show.asp?ID=213&q>. پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر شریعتی.
۶۳. «Chandelle» <https://translate.google.com/?hl=en&ta=b=iT#fr/fa/Chandelle>. google translate
۶۴. شریعتی مزینانی، سوسن، مقاله: شاندل یا شریعتی؟، من، کدام است؟، روزنامه شرق، ۲ آذر ۱۳۹۲
۶۵. علی شریعتی مزینانی. «وصیت‌نامه کامل دکتر شریعتی» <http://www.shariati.com/farsi/vasiyat.html>.
۶۶. علی شریعتی مزینانی. «وصیت شریعتی» <http://drshariat.ir/i/dktr-ely-shrycty/asnad/mozeh/dktr-ashcar-shrycty/>. دفتر اسناد شریعتی.
۶۷. «شعر دکتر شریعتی در روزنامه خراسان» <http://drsharia.ti.org/?p=2886>. بنیاد فرهنگی دکتر شریعتی.
۶۸. علی شریعتی مزینانی. «شعر شمع زندان دکتر شریعتی» <http://www.shariati.com/farsi/sher/sham.html>. روزنامه خراسان.
۶۹. خطای یادکرد: خطای یادکرد: برجسب <<ref غیرمجاز؛ متنی برای یادکردهای با نام ReferenceA وارد نشده‌است. (صفحهٔ راهنما را مطالعه کنید).
۷۰. علی شریعتی مزینانی. «ایران آزاد» <http://drshariati.or.g/?p=2840>.
۷۱. «کتاب هبوط در کویر از دکتر علی شریعتی» <http://sharia.ti.nimeharf.com/Shariati/article-249> دانلود-هبوط-در-کوی-راز-دکتر-علی-شریعتی/. وبسایت معلم شهید علی شریعتی. دریافت‌شده در ۳ سپتامبر ۲۰۱۸.
۷۲. «نمونه اشعار شریعتی» <http://www.shariati.com/ashaa.r.html>. وبسایت دکتر شریعتی.
- موعودگرایی-در-مقام-گفتمان-سیاسی). وبگاه ماهنامه مهرنامه.
۴۵. «شریعتی پس از ۲۷ سال» [http://www.bbc.co.uk/persia/n/interactivity/debate/story/2004/06/040616\\_mf\\_shariati.shtml](http://www.bbc.co.uk/persia/n/interactivity/debate/story/2004/06/040616_mf_shariati.shtml). وبگاه بی‌بی‌سی فارسی.
۴۶. «شریعتی و مخالفان او» <http://shariati.nimeharf.com/S/hariati/article-1861> حرف. وبگاه نیمه حرف.
۴۷. شریعتی، علی، *اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی*، ۱۳۵۷، نذیرچاپ، صفحات ۲۹-۳۱
۴۸. من متهم می‌کنم، هفته‌نامه شهروند امروز، شماره ۵۰
۴۹. یوسفی اشکوری، حسن، *شریعتی و نقد سنت*، نشر یادآور، چاپ نخست، ۱۳۷۹. صص: ۳۱ و ۱۱۰
۵۰. سروش، عبدالکریم، *مدارا و مدیریت*، انتشارات صراط، چاپ نخست، ۱۳۷۶. صص: ۱۵ و ۱۳
۵۱. آشوری، داریوش، *افتاده در چاله روشنفکری جهان سوم*، هفته‌نامه شهروند امروز، شماره ۸۶ (دوره جدید)
۵۲. <http://www.mehrnameh.ir/article/1083> read: *موزون-خزن-نقد-ایدئولوژی-و-گفتگو-در-فرا-تاریخ*
۵۳. سروش، عبدالکریم، *فریتر از ایدئولوژی*، انتشارات صراط، چاپ ششم، ۱۳۷۸. صص: ۸۰ و ۲۰۸
۵۴. «طرفداران شریعتی، رویگردانان از قرائت رسمی دین» [http://www.bbc.co.uk/persian/interactivity/debate/stor/2004/06/040617\\_mf\\_kadivar.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/interactivity/debate/stor/2004/06/040617_mf_kadivar.shtml). وبگاه بی‌بی‌سی فارسی.
۵۵. «کویریات پر طرفدارتر از اسلامیات» [http://www.bbc.co.uk/persian/interactivity/debate/story/2004/06/040616\\_mf\\_ehsan.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/interactivity/debate/story/2004/06/040616_mf_ehsan.shtml). وبگاه بی‌بی‌سی فارسی.
۵۶. <http://www.mehrnews.com/news/3887753> *منابه-روشنفکری-پسااستعماری-به-ما-چه-می-آموزد*
۵۷. «روحانیت منهای اسلام» [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/030616\\_mj-dm-soroush.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/030616_mj-dm-soroush.shtml). وبگاه بی‌بی‌سی فارسی. دریافت‌شده در ۲ اسفند ۱۳۸۸.
۵۸. <http://www.mehrnews.com/news/3887739> *دهم-شریعتی-با-من-سخن-بگوید-روشنفکران-را-نمی-بخشیم*

## منابع

- اشرف، احمد (۱۳۷۴). «توهم توطئه» <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/320205>. گفتگو. تهران. تابستان (۸): ۷ تا ۴۶. دریافت‌شده در ۴ ژوئن ۲۰۱۴.
- وبگاه رسمی دکتر علی شریعتی (<http://www.shariati.com>)
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (<http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=233&SP=Fa>) (rsi)
- علیجانی، رضا، *رند خام (شریعتی‌شناسی)*، تهران، نشر شادگان، ۱۳۸۰.
- وبگاه دکتر علی شریعتی (<http://shariati.nimeharf.com>)
- دکتر علی شریعتی (<http://nimeharf.com>)
- صدای سخنرانی‌های شریعتی (<http://www.shariati.com/speech.html>)

## پیوند به بیرون

- خانه شریعتی (مجموعه آثار و نقد شریعتی) (<http://www.shariatihome.co>) (/m)
- وبگاه اطلاع‌رسانی شریعتی (<http://www.drshariati.org>)
- کانون آرمان شریعتی (<http://www.shandel.org>)
- دانلود مجموعه آثار دکتر علی شریعتی (<http://shariati.mohsen6558.com>)
- سخنرانی دکتر چمران در ستایش دکتر شریعتی (<http://www.bazchamran.ir/post/227>)

مجموعه‌ای از گفتاوردهای مربوط به **علی شریعتی** در ویکی‌گفتاورد موجود است.



---

برگرفته از «[https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=علی\\_شریعتی&oldid=26389216](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=علی_شریعتی&oldid=26389216)»

---

این صفحه آخرین بار در ۷ ژوئن ۲۰۱۹ ساعت ۲۲:۲۰ ویرایش شده‌است.

همهٔ نوشته‌ها تحت مجوز [Creative Commons Attribution/Share-Alike](#) در دسترس است؛ برای جزئیات بیشتر شرایط استفاده را بخوانید.  
ویکی‌پدیا® علامتی تجاری متعلق به سازمان غیرانتفاعی بنیاد ویکی‌مدیا است.